



چاپ دوم

جلد چہارم

رسم الخط فارسی

محمد رضا محمدی فر



Manual of Editing
Vol.4

WRITING STYLE

ویرایش مجموعه ای است از فعالیت های علمی و هنری، که هدف آنها بهبود بخشیدن به ارائه و باز نمود مطلب نوشته شده، و یا تصحیح خطاها و نواقص احتمالی آن، و یا مدیریت امور مربوط به انتشار متن است. کتاب حاضر که در هفت مجلد کوچک و مختصر ارائه شده است، مهم ترین مباحث ویرایش را در بر می گیرد. عناوین مجموعه هفت جلدی، محتوای آنها را نیز مشخص می سازند، که عبارت اند از:

جلد اول، اصول ویرایش و نشر؛

جلد دوم، کالبدشناسی کتاب؛

جلد سوم، نگارش؛

جلد چهارم، رسم الخط فارسی؛

جلد پنجم، نقطه گذاری؛

جلد ششم، تولید کتاب؛

جلد هفتم، شیوه نامه وب.

این کتاب ها از یکدیگر مستقل هستند؛ هرچند، مطالعه همه آنها می تواند برای خواننده ناآشنا با ویرایش و نشر و نگارش مفیدتر واقع گردد. خواننده علاقه مند به نویسندگی کتاب سنتی، و یا نگارش در اینترنت، با مطالعه این کتاب ها با اصول و روش های نگارش آشنا می شود، و پس از صرف تمرین کافی می تواند به طور حرفه ای به نویسندگی (کتاب سنتی یا اینترنت) بپردازد. ویژگی دیگر کتاب ها این است که همگی خودآموز هستند و نیازی به معلومات پیشین ندارند.

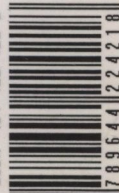
۴۰۰۰ ریال



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
WWW.PPOIR.COM

964-422-463-9 (دوره)

ISBN 964-422-421-3



9 789644 224218

۲۸/۲۰
۲۲/۱

مکتوبات و تالیفات
و اسم الحفظی
مجموعه افکار و رسائل
محمد رضا محمدی
مکتوبات و تالیفات



بسم الله الرحمن الرحيم



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



GENERALITIES

محمدی فر، محمد رضا ۱۳۳۸ -
شیوه‌نامه ویرایش؛ رسم الخط فارسی / محمدرضا محمدی فر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.
ج ۷. مجموعه اطلاع رسانی (۵).

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
پشت جلد به انگلیسی:
چاپ اول: بهار ۱۳۸۱. چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۱.
مندرجات: ج ۱. اصول ویرایش و نشر. ج ۲. کالبدشناسی کتاب. ج ۳. نگارش. ج ۴. رسم الخط
فارسی. ج ۵. نقطه‌گذاری. ج ۶. تولید کتاب. ج ۷. شیوه‌نامه وب.
۱. ویراستاری. ۲. فن نگارش. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ
و انتشارات. ب. عنوان.

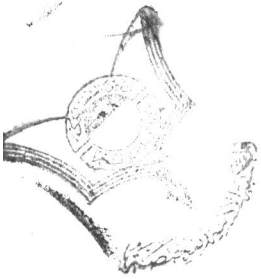
۰۷۰/۴۱

ش ۳ / م ۱۶۲ / PN

۱۳۸۱

کتابخانه ملی ایران

۳۶۴۸-۸۱ م



مجموعه اطلاع رسانی (۵)



شیوه نامه ویرایش

جلد چهارم

رسم الخط فارسی



Manual of Editing
Vol. 4
Persian Writing Style

نویسنده: محمدرضا محمدی فر

تهران ۱۳۸۱



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شیوه‌نامه ویرایش

جلد چهارم
رسم الخط فارسی

Manual of Editing Vol. 4 Persian Writing Style

نویسنده: محمدرضا محمدی‌فر

حروف چین، نمونه خوان و صفحه‌آرا: مؤسسه آینه نگار

نمایه ساز: محمدرضا محمدی‌فر

طرح روی جلد: پارسوا باشی

قلم‌های استفاده شده: بدر، زو، تایمز، هلویتیکا

کاغذ مورد استفاده: ۷۰ گرمی تحریر خارجی

ناظر چاپ: علی فرازنده خالدي

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ دوم: اسفند ۱۳۸۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.
هرگونه استفاده از این اثر به طور مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع است.

شابک (ج ۴)	۹۶۴-۴۲۲-۴۲۱-۳
ISBN (Vol. 4)	964-422-421-3
شابک (دوره)	۹۶۴-۴۲۲-۴۶۳-۹
ISBN (Set)	964-422-463-9

چاپخانه، انتشارات و توزیع:

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نبش سه راه شیشه مینا - تهران ۱۳۹۷/۱۵/۳۱

تلفن: (چهار خط) ۴۵۱۳۰۰۲ - نمابر: ۴۵۱۴۴۲۵

انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵ - توزیع: ۴۵۲۹۶۰۱ - نمابر توزیع: ۴۵۲۹۶۰۰

فروشگاه شماره یک:

خیابان امام خمینی - نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۱۳۷۹/۱۳/۱۴۵

تلفن: ۶۷۰ ۲۶۰۶

فروشگاه شماره دو:

نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر - تهران ۱۴۱۷۹/۳۵/۸۱۴

تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸

نشانی سایت اینترنتی:

WWW.PPOIR.COM

فهرست مطالب

۳۶۵	فصل ۴. رسم الخط فارسی
۳۶۵	۱.۴. مقدمه
۳۶۶	۲.۴. روش تدوین رسم الخط فارسی
۳۶۸	۳.۴. اصول و معیارهای مطلق در نگارش فارسی
۳۶۹	۱.۳.۴. اصالت نوشته‌های بزرگان ادب فارسی
۳۶۹	۲.۳.۴. اهمیت انتقال مقدار اطلاعات بیشتر در نگارش
۳۷۰	۳.۳.۴. سهولت خواندن و نوشتن خط فارسی
۳۷۰	۴.۳.۴. توجه به ویژگیهای نگارش با حروف چاپی
۳۷۱	۵.۳.۴. امکان استفاده از فناوری واژه‌پردازی کامپیوتری
۳۷۲	۴.۴. روش‌شناسی علمی تدوین شیوه‌نامه
۳۷۵	۵.۴. اصل ۱
۳۷۶	۶.۴. اصل ۲
۳۷۸	۱.۶.۴. قاعده ۱
۳۷۸	۲.۶.۴. قاعده ۲
۳۷۹	۳.۶.۴. قاعده ۳
۳۸۰	۴.۶.۴. قاعده ۴
۳۸۱	۵.۶.۴. قاعده ۵
۳۸۲	۶.۶.۴. قاعده ۶
۳۸۳	۷.۶.۴. قاعده ۷

۳۸۴		۸.۶.۴ قاعدهٔ ۸
۳۸۴		۹.۶.۴ قاعدهٔ ۹
۳۸۵		۱۰.۶.۴ قاعدهٔ ۱۰
۳۸۶		۱۱.۶.۴ قاعدهٔ ۱۱
۳۸۷		۱۲.۶.۴ قاعدهٔ ۱۲
۳۸۷		۱۳.۶.۴ قاعدهٔ ۱۳
۳۸۷		۱۴.۶.۴ قاعدهٔ ۱۴
۳۹۰		۱۵.۶.۴ قاعدهٔ ۱۵
۳۹۱		۷.۴ اصل ۳
۳۹۴		۱.۷.۴ قاعدهٔ ۱
۳۹۶		۲.۷.۴ قاعدهٔ ۲
۳۹۸		۳.۷.۴ قاعدهٔ ۳
۳۹۹		۴.۷.۴ قاعدهٔ ۴
۴۰۰		۵.۷.۴ قاعدهٔ ۵
۴۰۰		۶.۷.۴ قاعدهٔ ۶
۴۰۱		۸.۴ اصل ۴
۴۰۲		۱.۸.۴ قاعدهٔ ۱
۴۰۲		۲.۸.۴ قاعدهٔ ۲
۴۰۳		۳.۸.۴ قاعدهٔ ۳
۴۰۳		۴.۸.۴ قاعدهٔ ۴
۴۰۴		۵.۸.۴ قاعدهٔ ۵
۴۰۵		۶.۸.۴ قاعدهٔ ۶
۴۰۶		۷.۸.۴ قاعدهٔ ۷
۴۰۷		۸.۸.۴ قاعدهٔ ۸
۴۰۸		۹.۸.۴ قاعدهٔ ۹
۴۰۹		۹.۴ اصل ۵
۴۰۹		۱.۱۰.۴ قاعدهٔ ۱

۴۱۰		۲.۱۰.۴.قاعدهٔ ۲
۴۱۰		۳.۱۰.۴.قاعدهٔ ۳
۴۱۳		۴.۱۰.۴.قاعدهٔ ۴
۴۱۵		۵.۱۰.۴.قاعدهٔ ۵
۴۱۶		۶.۱۰.۴.قاعدهٔ ۶
۴۱۷		۱۱.۴.اصل ۶
۴۱۷		۱.۱۱.۴.قاعدهٔ ۱
۴۱۸		۲.۱۱.۴.قاعدهٔ ۲
۴۲۰		۲.۱۱.۴.قاعدهٔ ۲
۴۲۱		۳.۷.۹.قاعدهٔ ۳
۴۲۱		۱۲.۴.اصل ۷
۴۲۲		۱.۱۲.۴.قاعدهٔ ۱
۴۲۳		۲.۱۲.۴.قاعدهٔ ۲
۴۲۳		۳.۱۲.۴.قاعدهٔ ۳
۴۲۴		۱۳.۴.اصل ۸
۴۲۵		۱۴.۴.اصل ۹
۴۲۶		۱۵.۴.اصل ۱۰
۴۳۱		کتابنامه
۴۳۳		نمایه

فصل ۴

رسم الخط فارسی

۱.۴. مقدمه

رسم الخط فارسی، یکی از مباحث نگارش فارسی است که در آن، درباره «استانداردهای» املا و نگارش و نقطه‌گذاری بحث می‌شود. به همین دلیل، معمولاً رسم الخط فارسی توسط یک منبع صاحب صلاحیت مانند مؤسسه استاندارد یا فرهنگستان زبان و ادب فارسی یا یک سازمان نشر معتبر منتشر یا تأیید می‌شود. از سوی دیگر، هر سازمان نشر باید دارای یک شیوه‌نامه نشر باشد که قسمتی از آن را رسم الخط تشکیل می‌دهد. رسم الخط حاضر نیز در درجه نخست برای استفاده در سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدوین شده است. متن کاملتر رسم الخط نیز در دست تدوین است، که در ویراست بعدی ارائه خواهد شد.

اثر حاضر براساس رسم الخط‌های موجود فارسی و تجربه ویراستاران و نظریات تازه اطلاع‌رسانی و موضوعات واژه‌پردازی کامپیوتری و کاربرد رسم الخط فارسی در رسانگان و دادگان تدوین شده است، و تا زمانی که یک رسم الخط استاندارد فارسی پدید نیامده باشد، می‌تواند به عنوان یک جزوه مختصر در نگارش و ویرایش به کار برده شود.

به طور کلی، متن رسم الخط، نوعی قانون و اعلامیه است که باید منبع آن مشخص باشد. از این روی، هنگامی متن، قابل استفاده است که از نظر منبع، یکی از دو ویژگی زیر را دارا باشد:

الف- توسط یک شخص صاحب صلاحیت در زبان فارسی نوشته شده باشد؛ مثلاً رسم الخطی که توسط صادق هدایت یا محمدعلی جمالزاده تدوین شده باشد. اصولاً تعداد این گونه اشخاص در هر فرهنگ و زبانی بسیار نادر است، و در ضمن، این اشخاص به ندرت وارد حیطه نگارش رسم الخط می شوند؛

ب- مطابق یک روش علمی معین نوشته شده باشد، و روش مورد استفاده نیز در مقدمه رسم الخط آمده باشد.

کتاب حاضر، لاجرم مطابق روش «ب» تدوین شده است. به همین دلیل، پیش از متن رسم الخط، که در بخش ۵.۴ تا بخش ۱۵.۴ همین فصل آمده، هدف، محتوا، و روش تدوین رسم الخط تشریح شده است، که مطالب آن را می توان «مقدمه» به حساب آورد.

مسئله دیگر در تدوین رسم الخط، کاربرد آن در متون کامپیوتری، به ویژه در رسانگان و دادگان (فصل ۱)، و نیز در نگارش با استفاده از کامپیوتر است. رسم الخط امروزی، باید دارای قواعدی باشد که با ویژگیهای متون کامپیوتری و واژه پردازی کامپیوتری تعارض پیدا نکند.

مطالب فصل حاضر و نقطه گذاری فصل پنجم، در واقع مکمل یکدیگرند، و شاید تفکیک آنها از هم منطقی نباشد. اما چون در متون ویرایش و نگارش فارسی، به طور سنتی، رسم الخط و نقطه گذاری را در دو مبحث مجزا ارائه می کنند، در این کتاب نیز، به تبعیت از سنتها، دو مبحث از هم تفکیک شده اند.

۲.۴. روش تدوین رسم الخط فارسی

امروزه مهمترین مسائل رسم الخط فارسی، به جز مسائل نقطه گذاری و تولید فنی در نگارش، عبارت اند از:

۱. گرایشهای جدانویسی و چسبان نویسی؛

۲. صورت املائی معیار در کلمات دواملائی یا چنداملائی؛
 ۳. نگارش اعداد و نمادهای اختصاری فارسی، و عبارتهای لاتین در متن؛
 ۴. مرز بین کلمات؛
 ۵. رسم الخط فارسی در خوشنویسی، حروفچینی، کامپیوتر، و فناوری نوین.
- برای مقایسه، مسائل عمده رسم الخط در انگلیسی عبارتند از:
- صورت املائی معیار در کلمات دواملائی یا چنداملائی، مثلاً *adviser*، و *advisor*؛
 - نگارش اعداد و نمادها در متن؛
 - مرز بین کلمات.

اما در انگلیسی، به جای قواعد رسم الخط، عموماً از فهرستهایی استفاده می‌شود که گاهی در فرهنگهای کاریست (فصل ۳) ارائه می‌شوند. قسمت عمده مشکلات رسم الخط فارسی دهها سال است که حل نشده باقی مانده است و با این که کتابها و جزوه‌های بسیاری در زمینه استانداردسازی خط فارسی نوشته شده است، هنوز شیوه‌نامه رسم الخط استاندارد جامعی در فارسی وجود ندارد. علاوه بر این، موهبت‌های واژه‌پردازی کامپیوتری و فناوری نوین، به جای آن که به حل مشکلات رسم الخط فارسی کمک کند، بر بار آن افزوده است. تدوین رسم الخط حاضر، با هدف مرتفع ساختن یا کاهش مشکلات سه‌گانه فوق‌الذکر، در سه قسمت انجام شده است:

۱. اصول و معیارهای مطلق در نگارش فارسی؛

۲. روش‌شناسی علمی تدوین شیوه‌نامه؛

۳. اصول و قواعد رسم الخط فارسی.

به طور کلی، برنامه‌ریزی برای تدوین شیوه‌نامه، نوعی طراحی سیستم است که مطابق اصول و قواعد تولید سیستم اطلاعات انجام می‌پذیرد. در شیوه‌نامه حاضر نیز که یک سیستم اطلاعات محسوب می‌شود، از همین روش استفاده شده است. در بخش ۳.۴، اصول و معیارهای مطلق در نگارش فارسی، تشریح شده، به عنوان رهنمودهای اصلی طراحی سیستم در نظر گرفته شده‌اند. این اصول و معیارها،

موضوعات مورد قبول همگان هستند، و در مورد آنها اختلاف نظری وجود ندارد. در بخش ۴.۴، روش‌شناسی علمی مورد استفاده در تدوین رسم الخط حاضر تشریح شده، که مشخص می‌سازد با استفاده از رهنمودهای بخش ۳.۴، چگونه اطلاعات شیوه‌نامه رسم الخط به دست آورده شده است. روش‌شناسی علمی، ایجاب می‌کند که اصول و قواعد شیوه‌نامه، اولاً با نگارش زبان فارسی «سازگار» باشد، و ثانیاً در زبان فارسی دارای «جامعیت» باشد.

این سازگاری و جامعیت، علاوه بر نگارش متعارف، باید «نگارش با استفاده از کامپیوتر» و «نگارش در نشر الکترونیکی» (مانند صفحه‌های وب و رسانگان‌های دیگر و کتاب الکترونیکی) را نیز دربر بگیرد. به همین دلیل، در تدوین رسم الخط حاضر، هرگاه که بازبینی جامعیت ضروری شده است، با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری مخصوص، کل واژگان فارسی موجود در یک دادگان مشابه فرهنگ فارسی، جستجو و به اصطلاح پویش [scan] شده است.

پس از تشریح روش‌شناسی مورد استفاده در دو بخش بعدی، سرانجام در بخش ۵.۴، اصول اساسی رسم الخط ارائه می‌شود.

۳.۴ اصول و معیارهای مطلق در نگارش فارسی

پیش از برنامه‌ریزی برای تدوین یک شیوه‌نامه رسم الخط فارسی، باید گرایش و نگرش مورد استفاده مشخص باشد. در کتاب حاضر، بدین منظور، از پنج اصل و معیار استفاده شده است که در مورد آنها اختلاف نظر زیادی وجود ندارد، و تقریباً می‌توان پذیرفت که مورد قبول همگان هستند. همچنان که پیشتر اشاره شد، این اصول و معیارها به عنوان رهنمودهای طراحی سیستم تدوین شیوه‌نامه به کار برده شده‌اند. اصول یا رهنمودهای تدوین رسم الخط، عبارت‌اند از:

۱. اصالت نوشته‌های بزرگان ادب فارسی؛

۲. اهمیت انتقال مقدار اطلاعات بیشتر در نگارش؛

۳. سهولت خواندن و نوشتن با توجه به ویژگیهای خط فارسی؛

۴. توجه به ویژگیهای نگارش با حروف چاپی؛

۵. امکان استفاده از فناوری واژه‌پردازی کامپیوتری.

این اصول یا رهنمودها در ادامه بخش حاضر به اختصار تشریح می‌شوند.

۱.۳.۴. اصالت نوشته‌های بزرگان ادب فارسی

در نگارش فارسی باید شیوه‌ای را به کار برد که تفاوت شیوه امروزی خط فارسی با شیوه نگارش بزرگان ادب فارسی، مانند فردوسی و سعدی و حافظ، زیاد نباشد. مطابق این معیار، گرایش به چسبان‌نویسی، بیشتر تأیید می‌گردد، زیرا چسبان‌نویسی، در گذشته بیشتر مرسوم بوده است.

اما از سوی دیگر، توجه به شیوه نگارش بزرگان ادب فارسی معاصر نیز مهم است. گرایش برخی از نویسندگان و شاعران معاصر، به جدانویسی عبارتها و کلمات «مرکب»، و چسبان‌نویسی کلمات «مشتق» بوده است. این گرایش، منطقی‌ترین گرایش نو بوده است، زیرا برای آن می‌توان استدلال آورد.

علاوه بر شیوه نگارش بزرگان ادب فارسی، در تدوین شیوه‌نامه، باید به توصیه‌های منابع و محافل صاحب‌صلاحیت در رسم‌الخط فارسی، به ویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مؤسسه استاندارد ایران، و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز توجه شود. توصیه‌های این منابع نیز معیارهایی برای جدا و چسبان‌نویسی به دست می‌دهند.

۲.۳.۴. اهمیت انتقال مقدار اطلاعات بیشتر در نگارش

از آنجا که هر نوع نگارش می‌تواند مقدار اطلاعات [information content] معینی را انتقال دهد، نتیجه می‌شود که توان انتقال اطلاعات در انواع مختلف نگارش (براساس شیوه‌نامه‌های مختلف)، یکسان نیست. بنابر این، طبیعی است که باید شیوه‌ای را انتخاب کرد که مقدار اطلاعات نگارش را افزایش دهد.

مطابق اصول نظریه اطلاعات [information theory]، صورت چسبان واژگان فارسی می‌تواند اطلاعات بیشتری را انتقال دهد؛ و به طور کلی، صورت چسبان واژگان در هر زبانی، بر گنجینه واژگان و غنای زبان می‌افزاید. در انگلیسی نیز چسبان‌نویسی بر محتوای اطلاعاتی واژگان می‌افزاید، زیرا صورت چسبان یک «کلمه مرکب» را یک «واژه مستقل» به حساب می‌آورند. مثلاً واژه مرکب *copywriter* به صورت چسبیده، یک واژه تخصصی رشته تبلیغات است، و مطابق

اصول نظریه اطلاعات، مقدار اطلاعات یا محتوای اطلاعاتی آن بیشتر از *copy writer* است. بنابر این، مطابق معیار محتوای اطلاعاتی واژگان زبان، گرایش به چسبان نویسی، بیشتر توصیه می شود.

۳.۳.۴. سهولت خواندن و نوشتن خط فارسی

در فارسی، اندازه های حروف چسبان و جدا تفاوت بسیار دارند. به عنوان مقایسه، در یک نوشتار نوعی، خواه حروفچینی خواه دست خطی، اندازه های جدا و چسبان برخی از حروف (مانند «ب» و «پ») حدود چهار برابر اختلاف دارند. بنابر این، خواننده و نویسنده خط فارسی، با نمادهایی سروکار دارد که تفاوت بین آنها قابل توجه است.

علاوه بر این، تجربیات آموزش نگارش فارسی به نوآموزان نیز نشان داده است که یادگیری خواندن و نوشتن هنگامی آسانتر است که در نگارش، از شیوه جدانویسی پیروی شود. بدین ترتیب، مطابق این معیار، گرایش به جدانویسی بیشتر توصیه می شود.

اما از سوی دیگر، سرعت نگارش، برای اشخاصی که با نوشتن آشنایی و عادت کافی دارند، هنگامی بیشتر می شود که شیوه چسبان نویسی را به کار ببرند. بدین ترتیب، مطابق معیار سوم، جدا و چسبان نویسی، دو هدف متغایر [conflicting goals] هستند، که برای دست یافتن به یک هدف واحد، یعنی «سهولت خواندن و نوشتن»، در نظر گرفته می شوند. این مسئله، یکی از معضلات عادی در طراحی سیستم اطلاعات محسوب می شود که راه حل آن، استفاده از روشهای بهینه سازی [optimization] است.

۴.۳.۴. توجه به ویژگیهای نگارش با حروف چاپی

از زمان ورود حروفچینی و چاپ به ایران، به ویژه از دوره قاجار به بعد، تحولات قابل ملاحظه ای در نگارش فارسی پدید آمده است. به طوری که حروفچینی متون کتابها و مطبوعات بر نگارش دست خطی فارسی نیز تأثیر گذاشته است. علاوه بر این، نشانه های نقطه گذاری در فارسی از دوران چاپ به بعد وارد نوشتارهای

فارسی شده، و پیش از آن در نوشته‌های بزرگان ادب فارسی وجود نداشته است. نقطه‌گذاری نیز به نوبه خود تأییراتی بر خط فارسی گذاشته، و بر سهولت خواندن و مقدار اطلاعات خط فارسی افزوده است. در فصل پنجم، شرح مفصلی در این باره ارائه خواهد شد.

بنابر این، در تدوین یک شیوه‌نامه رسم‌الخط فارسی، ویژگیهای نگارش با حروف چاپی نیز باید همراه با معیارهای دیگر در نظر گرفته شوند.

۵.۳.۴. امکان استفاده از فناوری واژه‌پردازی کامپیوتری

با پیدایش و توسعه واژه‌پردازی در اوایل دهه ۱۹۸۰ (و فناوری نوین، در اواسط دهه ۱۹۸۰)، تسهیلات فراوانی در نگارش فارسی پدید آمده است. یکی از تسهیلات بسیار مهم این است که کامپیوتر می‌تواند حروف اول و وسط و آخر کلمات فارسی را تقریباً به طور کاملاً خودکار (در بیش از ۹۵ درصد موارد) تشخیص دهد، در حالی که به عنوان مقایسه، در خط لاتین، به ویژه انگلیسی، امکان تشخیص خودکار حروف بزرگ (کاپیتال) و کوچک توسط کامپیوتر وجود ندارد (کامپیوتر تقریباً در ۵ درصد موارد می‌تواند استفاده درست حروف بزرگ و کوچک را تشخیص دهد). به عبارت دیگر، در تحریر [typing] متن فارسی با کامپیوتر، نیازی به استفاده از کلید مبدله [shift] وجود ندارد، اما در خط لاتین، استفاده دستی از کلید مبدله الزامی است.

از جمله تسهیلات دیگر فناوری نوین، بازبینی املا [spelling check] توسط واژه‌پرداز [wordprocessor] است، که به آسانی و به طور خودکار می‌تواند موارد جدا و چسبان را به شخص تحریر کار یادآوری کند و یا حتی در متن، تغییرات لازم را انجام دهد.

از سوی دیگر، در تحریر کاری [typing] با صفحه‌کلید کامپیوتر، هر قدر ضرورت درج سفیدی تهی [null space] بین کلمات مرکب کمتر باشد، سرعت تحریر بیشتر می‌شود.

چندین مسئله و موضوع بحث مهم دیگر نیز در واژه‌پردازی کامپیوتری نگارش فارسی وجود دارد که هریک معیاری برای تدوین شیوه‌نامه رسم‌الخط فارسی به دست می‌دهد. در تدوین یک شیوه‌نامه رسم‌الخط فارسی، ضروری است که به

ویژگیها و تسهیلات فناوری نوین، از جمله واژه‌پردازی کامپیوتری، توجه شود. یک جنبه از ویژگیها و تسهیلات فناوری نوین و واژه‌پردازی کامپیوتری فارسی ایجاب می‌کند که گرایش به چسبان‌نویسی، بیشتر توصیه شود. اما جنبه دیگر آن برعکس است و ایجاب می‌کند که گرایش به جدانویسی بیشتر توصیه شود. و در مجموع، طبق یک محاسبه کلی و تخمینی، گرایش به چسبان‌نویسی در فارسی، حدوداً ۱۰ درصد بر سرعت تحریر کاری [typing] می‌افزاید. (که اگر ترتیب حروف صفحه کلید فارسی نیز به صورت مناسب تغییر داده شود، به حدود ۴۰ درصد می‌رسد.)

۴.۴. روش‌شناسی علمی تدوین شیوه‌نامه

همچنان‌که پیشتر اشاره شد، شیوه‌نامه حاضر به روش علمی تدوین شده است. منظور از علمی بودن روش تدوین شیوه‌نامه این است که هدفهای تدوین از پیش مشخص شده‌اند و «برنامه» برای رسیدن به هدفها نیز در آغاز طراحی و تدوین شده است. بدین منظور، رسم الخط فارسی به عنوان یک سیستم اطلاعات در نظر گرفته شده است.

البته روش‌شناسی علمی تدوین شیوه‌نامه، هیچ کاربردی در نحوه استفاده از مطالب آن ندارد، و فقط می‌تواند نشان دهد تدوین شیوه‌نامه به روش علمی انجام پذیرفته است و نظریات شخصی نویسنده به حساب نمی‌آید. (همچنان‌که در ابتدای فصل اشاره شد، اگر نویسنده شیوه‌نامه، یک شخص صاحب‌صلاحیت در زبان فارسی، در حد صادق هدایت و محمدعلی جمالزاده باشد، نیازی به استدلال و استفاده از روش علمی ندارد: قواعدی که اعلام می‌کند، به تنهایی کافی هستند.) به هر حال، خلاصه فهرست مطالب روش‌شناسی تدوین رسم الخط به شرح زیر است:

۱. استفاده از پنج اصل و معیار مطلق در نگارش فارسی (بخش ۳.۴) به عنوان رهنمودهای اساسی طراحی سیستم؛
۲. تدوین هدفهای شیوه‌نامه، که شامل دو قسمت اصلی و دو قسمت فرعی است. قسمت اصلی آن شامل دو هدف زیر است:

۱.۲. شیوه‌نامه باید همه واژگان مورد استفاده در نگارش فارسی را، اعم از فارسی و عربی و لاتین و غیره، بیوشاند، و نگارش هر نوع متن با استفاده از اصول و قواعد آن ممکن باشد. این شرط را شرط جامعیت می‌نامند؛

۲.۲. شیوه‌نامه باید هر گونه تناقض باشد، و اصول و قواعد آن بتوانند همه واژگان نگارش و هر نوع متن را پوشش دهند، بدون آن که در آنها، تناقض و ناسازگاری مشاهده شود. این شرط را شرط سازگاری می‌نامند؛

دو هدف فرعی دیگر، عبارت‌اند از:

۳.۲. یادگیری اصول و قواعد شیوه‌نامه رسم الخط آسان باشد؛ بدین منظور که هر خواننده و نویسنده متن فارسی بتواند آنها را فرا گیرد. این شرط را شرط سادگی می‌نامند؛

۴.۲. در اصول و قواعد شیوه‌نامه حشو وجود نداشته باشد و کمترین حجم ممکن را دارا باشد. این شرط را شرط اقتصاد می‌نامند؛

۳. مواد و منابع اطلاعاتی اصلی مورد استفاده در تدوین شیوه‌نامه، عبارت‌اند از:

۱.۳. کل واژگان یک دادگان مشابه فرهنگ فارسی، که به کامپیوتر داده شده‌اند و با استفاده از یک نرم‌افزار واژه‌پرداز اختصاصی قابل جستجو و تحلیل هستند؛

۲.۳. یک واژگان پایه فارسی، متشکل از حدود ۱۵۰۰ ریشه و ستاک، و حدود ۲۰۰ وند؛

۳.۳. یک واژگان پایه فارسی، متشکل از حدود ۵۰۰۰ واژه پربسامد (تصریفی و غیرتصریفی، و کلمه عام و کلمه خاص)؛

۴.۳. یک مجموعه از جدولهای پژوهشی زبان فارسی، مشتمل بر:

– مقدار اطلاعات و آنتروپی حروف الفبای فارسی،

– مقدار اطلاعات و آنتروپی حروف چاپی فارسی،

- مقدار اطلاعات و آنتروپی واجهای ۳۱ گانه و هجاهای سه گانه فارسی،
- مسئله رمزبندی متغیر-طول در مورد حروف و واجهای فارسی.

نکته. جدولهای مذکور برای نخستین بار، توسط نگارنده، در:

مجله زبان شناسی، «زبان و اطلاعات»، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۶۸

تدوین و منتشر شده است؛

- ۵.۳. اصول رسم الخط در انگلیسی، و نیز جدول راهنمای تلفظ ۱۰ زبان اصلی اروپایی (انگلیسی، آلمانی، هلندی، سوئدی، دانمارکی، فرانسه، ایتالیایی، اسپانیولی، پرتغالی، و رومانیایی)، برای آوانگاری واژگان خارجی در فارسی، و نیز مقایسه و مقابله واجهای زبانها با واجهای زبان فارسی؛
۴. چند نرم افزار اختصاصی واژه پرداز فارسی، واژه نامه بسامدی، و یک دادگان واژگان علمی فارسی (حاوی چند ده هزار واژه علمی)؛
۵. برخی از شیوه نامه های منتشر شده طی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰، به ویژه راهنمای آماده سازی کتاب (ادیب سلطانی، ۱۳۶۵)، شیوه نامه دانشنامه جهان اسلام (سمیعی، ۱۳۷۲)، و شیوه نامه های انتشارات فرانکلین سابق و دانشگاه آزاد سابق؛
۶. تعاریف علمی برخی واژگان دستور زبان، زبان شناسی، و نگارش، به ویژه تعاریف ۱۱ واژه اساسی ریشه، ستاک، هسته، وند، کلمه، بسیط، مشتق، مرکب، سفیدی تهی، سفیدی، عبارت؛ که در فصل ۳ به تفصیل ارائه شده اند. معمولاً این گونه واژگان را واژگان فرا زبان شیوه نامه می نامند، که تعریف دقیق و روشن آنها در شیوه نامه اهمیت فراوان دارد. تعاریف واژگان مذکور در (فصل سوم) کتاب حاضر، از منابع معتبر استخراج شده اند؛
۷. استانداردهای ISO در SGML، و استانداردهای ANSI و ACM در بازنمود و تحریر اعداد و عبارتهای علمی.

و اما نکته قابل ذکر دیگر این که در نگارش شیوه‌نامه حاضر، بیشتر زحمات بر دوش کامپیوتر و دادگان‌های بزرگ آن بوده است. (نگارنده به یاد می‌آورد که زمانی، حوالی سالهای ۱۳۶۵، با بزرگترین کامپیوترهای موجود و زبان برنامه‌سازی عظیم PL/I و زحمات طاقت‌فرسا، هیچ‌یک از نتایج شیوه‌نامه کنونی را نمی‌توانست به دست بیاورد. خاطرات نگارنده از آن دوران، و کلنجارهای بیهوده با کامپیوتر، که حتی حروف الفبای فارسی را به طور کامل نداشت، امروزه واقعاً شنیدنی و مزاح‌برانگیز است. به همین دلیل است که اشخاصی که با واژه‌پردازی و ویرایش و نگارش سروکار دارند، باید واقعاً قدر کامپیوترهای امروزی خود را بدانند...)

فهرست مطالب فوق، روش‌شناسی مورد استفاده در تدوین شیوه‌نامه را به طور ضمنی مشخص می‌سازد و نیازی به شرح بیشتر ندارد.

شیوه‌نامه حاضر از ۱۰ اصل تشکیل یافته است، که هریک، یک رهنمود کلی از موضوع معینی از نگارش فارسی به دست می‌دهد. پس از هر اصل، یک یا چند قاعده آمده است، که [قواعد] جزئیات و استثنای هر اصل را مشخص می‌سازند.

۴.۵. اصل ۱

بین حروف «کلمه بسیط»، سفیدی گذاشته نمی‌شود، و حروف آن به صورت چسبان نوشته یا تحریر می‌شوند.

مثلاً نوشتن یا تحریر کتاب به صورت زیر غلط است:

* کتاب

زیرا بین «کتاب» و «ب» نباید سفیدی گذاشته شود.

بنابر این، مطابق تعریف حروف الفبای فارسی (که تعریف آن نیازی به ذکر ندارد)، حروف چسبان بین حروف کلمه بسیط نیز باید به صورت چسبان نوشته شوند. به عبارت دیگر، حروف میانی کلمه بسیط باید از نوع «حروف وسط» باشند. مثلاً نوشتن * مهر به جای مهر، و * می‌وه به جای میوه نادرست است.

اهمیت این اصل کاملاً بدیهی است، و کمتر پیش می‌آید که در نگارش مراعات

نگردد. اما در واژه‌پردازی کامپیوتری، به ویژه در جستجو [search]، جویش [query]، و تعویض [replace]، گاهی پیش می‌آید که یک فاصله سفیدی نابجا در میان کلمه بسیط مشکلاتی ایجاد می‌کند.

علاوه بر آن، وجود یک سفیدی در بین حروف یک کلمه بسیط، در موقع همستون‌سازی خودکار، ممکن است جزء اول را در یک سطر، و جزء دوم را در سطر زیر آن (یا صفحه یا ستون بعد) قرار دهد.

نکته در کل فصل حاضر، برای تأکید و وضوح بیشتر، فاصله سفیدی بین دو یا چند کلمه از یک مثال، بیشتر از حد معمول گرفته شده است. مثلاً در کتاب خوب که سفیدی بین کتاب و خوب اندکی بزرگتر از فاصله عادی است.

مثال ۱.۴.

در متن زیر یک اشکال وجود دارد که آن، قرار دادن سفیدی در داخل کلمه بسیط «بسیار» در انتهای سطر است:

* مشکل دهقانان ایرانی کم‌آبی است. راه‌حلهای بسیا
ر در این زمینه پیشنهاد و به کار بسته شده است. اما اغلب
این راه‌حلها قدیمی بوده‌اند و کارایی نداشته‌اند...

این سفیدی نابجا، باعث شده است که کلمه «بسیار»، به طور ناخواسته به دو قسمت شکسته شود: قسمت اول در سطر بالایی، و قسمت دوم در ابتدای سطر پایینی قرار گرفته است. اگر بین کلمه «بسیار»، سفیدی قرار داده نشود، این مشکل پیش نمی‌آید.

اصل ۱ در مبحث تولید فنی (فصل ۶) نیز کاربرد دارد، اما در رسم الخط، برای استخراج برخی قواعد به این اصل مراجعه می‌شود.

۶.۴. اصل ۲

بین حروف و عناصر «کلمه مشتق»، سفیدی گذاشته نمی‌شود، و وندهای آن به صورت چسبان به هسته نوشته می‌شوند.

این اصل مشابه اصل ۱ است، اما به درج سفیدی در «کلمه مشتق» مربوط می‌شود. اصل، شامل دو قسمت است: یکی مردود شمردن درج سفیدی بین حروف و ریشه و وندها، و دیگری توصیه چسبان‌نویسی ریشه و ونده. (تعریف کامل واژگانی چون بسیط، مشتق، مرکب، ریشه، ستاک، وند در فصل ۳ آمده است). بدین ترتیب، مطابق قسمت اول اصل، نوشتن یا تحریر کلمه مشتق مثلاً آزادی (آزاد+ی)، به صورت زیر غلط است:

* آزاد ی

و بین «آزاد» و «ی» نباید سفیدی گذاشته شود.

از سوی دیگر، وند یا وندهای کلمه مشتق باید به صورت چسبان نوشته شوند؛ مثلاً اسبها نباید به صورت * اسب‌ها نوشته شود. نمونه‌های زیر، مطلب را به روشنی شرح می‌دهند:

نادرست	درست
* کتاب‌ها	کتابها
* آب‌ها	آبها
* سیب‌ها	سیبها
* راه‌ها	راهها
* کوه‌ها	کوهها
* آهن‌گر	آهنگر
* رفت‌گر	رفتگر
* هم‌سایه	همسایه
* هم‌نواز	همنواز
* هم‌شاگردی	همشاگردی
* چگال‌ساز	چگالساز

استثنای اصل دوم

در فارسی امروز، توجه به خوانایی و سهولت نگارش ایجاب می‌کند که برخی از وندهای کلمات مشتق، به صورت جدا و یا به صورت خاص دیگری نوشته شوند. در این شیوه‌نامه نیز این موارد به عنوان استثنا پذیرفته شده‌اند. خوشبختانه تعداد این استثناها زیاد نیست و مهمترین آنها در قاعده‌های زیر تشریح شده‌اند.

در هر حال، باید توجه داشت که بین وند و هسته، هرگز نباید سفیدی (فاصله خالی) قرار داده شود، و در صورت نیاز به جدانویسی، فاصله بین وند و هسته فقط می‌تواند سفیدی تهی (بدون فاصله) باشد. این مسئله شاید در نگارش دستی مشکل مهمی ایجاد نکند، اما در واژه‌پردازی کامپیوتری، مشکلات مهمی پدید می‌آورد. (مثلاً در همستون‌سازی حروفچینی می‌روم، ممکن است می در سطر بالایی، و روم در سطر پایینی یا صفحه یا ستون بعدی قرار گیرد.)

۱.۶.۴. قاعده ۱

پیشوند می-، با سفیدی تهی به هسته فعل می‌چسبد؛ مثلاً در:

درست	نادرست	نادرست
می‌توان	* میتوان	* می توان
می‌روم	* میروم	* می روم
می‌شود	* میشود	* می شود
می‌گفت	* میگفت	* می گفت

۲.۶.۴. قاعده ۲

پیشوند بی-، با سفیدی تهی به هسته می‌چسبد؛ مثلاً در:

درست	نادرست	نادرست
بی آب	* بیاب	* بی آب
بی بو	* بیبو	* بی بو
بی خرد	* بیخرد	* بی خرد
بی رنگ	* بیرنگ	* بی رنگ
بی وفا	* بیوفا	* بی وفا

نکته. برخی از کلمات مشتق دارای پیشوند «بی»، به طور متعارف با «بی» نوشته می شوند؛ مثلاً در بیچاره، بیراه، بیرحم، بیزار، بيقرار، بیکار، بینوا، و یهوده. در ضمن، در واژه پردازی کامپیوتری، به هنگام جستجو و تعویض، باید به واژگانی مانند بیابان، بیان، بیدار، بیرق، بیرون، بیشه، بیگانه، بیمار، بیمه، بینش، و بینا نیز توجه شود.

۳.۶.۴. قاعده ۳

اولاً «ب» قیدساز به صورت «به» در می آید: مثلاً در به سختی؛ و ثانیاً بهتر است بعد از «به» سفیدی تهی قرار داده شود؛ مثلاً در:

درست	نادرست	نادرست
به آرامی	* بارامی	* به آرامی
به سختی	* بسختی	* به سختی
به کلی	* بکلی	* به کلی
به نرمی	* بنرمی	* به نرمی

برخی از نویسندگان استدلال می کنند که «به» یا «ب» باید به ریشه بچسبد (مثلاً در بکلی، و غیره). این استدلال نیز قابل قبول است و در ویرایش، در صورت لزوم، باید به عنوان یک تمایز سبکی پذیرفته شود.

اما اگر پیشوند «ب» صفت ساز باشد، به صورت چسبان نوشته می شود؛ مثلاً بهوش (هشیار)، که از ترکیب پیشوند به_ و ریشه هوش ساخته شده است، نباید به صورت * بهوش نوشته شود. مثالهای زیر نمونه های دیگری از این نوع صفت مشتق را نشان می دهند:

اسم	صفت درست	صفت نادرست	معنا
هوش	بهوش	* بهوش	دارای هشیاری
خرد	بخرد	* به خرد	دارای خرد
رنگ	برنگ	* به رنگ	دارای رنگ
نام	بنام	* به نام	دارای شهرت
همگام	* به همگام	بهمگام	دارای همگامی

پیشوند بلا در بلا تکلیف، بلا درنگ، بلافاصله، و غیره به همین صورت نوشته می شود. همچنین، پیشوند «ب» در بالاخره، بالطبع، بالقوه، بالعکس، و غیره نیز به همین صورت نوشته می شود.

نکته. در واژه پردازی کامپیوتری، به ویژه به هنگام جستجو و تعویض، باید به مواردی مانند به، به، بهار، بهانه، بهبود، بهبه، بهتر، بهره، و بهشت توجه شود. همچنین، باید حرف اضافه به (مثلاً در ... به خیابان ...) نیز مورد توجه باشد.

۴.۶.۴. قاعده ۴

پیشوندهایی که حرف آخر آنها با حرف اول هسته (ریشه یا ستاک یا کلمه مشتق) یکسان است، یا تلفظ آنها یکسان است، و پسوندهایی که حرف اول آنها با حرف آخر هسته یکسان است، یا تلفظ آنها یکسان است، به صورت جدا نوشته می شوند؛ مثلاً

در:

درست	نادرست	نادرست
غلط تر	* غلطتر	* غلط تر
درست تر	* درستتر	* درست تر
تفریح ها	* تفریحها	* تفریح ها
هم محور	* هممحور	* هم محور
هم میهن	* هممیهن	* هم میهن
هم مرام	* هممرام	* هم مرام

نکته. «هم»، ممکن است به عنوان قید به کار رود که در این صورت، یک «کلمه بسیط» به حساب می آید و باید مطابق اصول، جدا و با سفیدی نوشته شود؛ مثلاً در:

هم علی را دیدم و هم پرویز را.

۴.۵.۶. قاعده ۵

پسوند علامت جمع «ها»، هنگامی که هسته به «ه» [های آخر چسبان] مختوم باشد (مثلاً در توجیه)، جدا نوشته می شود. (به عبارت دیگر اگر در حالت چسبان، دو بار «ه» پشت سر هم بیایند، پسوند، جدا نوشته می شود.) همچنین اگر هسته به «ه» [های آخر جدا] مختوم باشد و در ضمن غیرملفوظ باشد (مثلاً در میوه)، جدا نوشته می شود. این دو مطلب در مثالهای زیر نشان داده شده است:

نادرست	نادرست	درست
* توجیه ها	* توجیهها	توجیه‌ها
* تنبیه ها	* تنبیهها	تنبیه‌ها
* ته ها	* تهها	ته‌ها
* سفیه ها	* سفیهها	سفیه‌ها
* هفته ها	* هفتهها	هفته‌ها
* نامه ها	* نامهها	نامه‌ها
* پایه ها	* پایهها	پایه‌ها
* برگه ها	* برگهها	برگه‌ها
* ثانیه ها	* ثانیهها	ثانیه‌ها
* برده ها	* بردهها	برده‌ها
* اندازه ها	* اندازهها	اندازه‌ها
* پرنده ها	* پرندهها	پرنده‌ها
* میوه ها	* میوهها	میوه‌ها
* زنده ها	* زندهها	زنده‌ها
* بزه ها	* بزهها	بزه‌ها

روشن است که در موارد دیگر، مطابق قاعدهٔ اصل کلی، «ها» چسبان نوشته می‌شود. از جمله هنگامی که هسته به «ه» [های آخر جدا] مختوم باشد و در ضمن ملفوظ هم باشد (مثلاً در چاهها، شاهها، راهها، کوهها، و غیره).

۶.۶.۴. قاعدهٔ ۶

قاعدهٔ ۵ فوق، در مورد پسوندهای دیگر نیز صدق می‌کند؛ مثلاً:

نادرست	درست
* آراسته‌تر	آراسته‌تر
* آشیانه‌ای	آشیانه‌ای
* آفریننده‌ات	آفریننده‌ات
* آلوده‌تر	آلوده‌تر
* آماده‌تر	آماده‌تر
* آهسته‌تر	آهسته‌تر
* آینده‌ات	آینده‌ات
* آینه‌دان	آینه‌دان

روشن است که در موارد دیگر، «پسوند»، چسبان نوشته می‌شود. از جمله هنگامی که هسته به «-ه» [های آخر جدا] مختوم باشد و در ضمن ملفوظ هم باشد (مثلاً در آگاه‌تر، راهوار، شاهوار، کوهسار، و غیره).

۷.۶.۴. قاعده ۷

اگر هسته مختوم به «-ه» باشد، در موقع افزودن پسوند «-گان» (که معمولاً دارای معنای جمع، و یا تعدد است)، هسته بدون «ه» نوشته می‌شود. مثلاً در:

کلمه مشتق	معنای معادل
آیندگان	انسانها و مردم آینده
دادگان	یک مجموعه ساختمند از داده‌ها
رسانگان	یک رسانه ساختمند متشکل از چند رسانه
ستارگان	ستاره‌ها به معنای عام
مردگان	مرده‌ها به معنای عام
نوازندگان	نوازنده‌ها به معنای عام

نکته. در واژه‌پردازی کامپیوتری، به ویژه به هنگام جستجو و تعویض، باید به مواردی مانند بازرگان، پادگان، شادگان، و غیره توجه شود.

۴. ۸. ۶. ۸. قاعدة

اگر هسته مختوم به «ه» باشد، در موقع افزودن پسوند «-گی»، هسته بدون «ه» نوشته می‌شود؛ مثلاً در:

نادرست	درست
* آراسته‌گی	آراستگی
* آشفته‌گی	آشفتگی
* آلوده‌گی	آلودگی
* آماده‌گی	آمادگی

نکته. در واژه‌پردازی کامپیوتری، به ویژه به هنگام جستجو و تعویض، باید به مواردی مانند برگی، رنگی، جنگی، سنگی، فرنگی، و غیره توجه شود.

۴. ۹. ۶. ۹. قاعدة

اگر تعداد دندان‌های حروف آغازین یا پایانی هسته زیاد باشد، و یا حروف پشت سر هم، مشابه باشند، و یا صورت پیوسته یک ترکیب «وند و هسته» نامأنوس و ناخوانا باشد، پیشوند یا پسوند در آن جایگاه به صورت جدا نوشته می‌شود؛ مثلاً در نمونه‌های زیر:

فادرست	درست
* کلتر	کلی تر
* منطقر	منطقی تر
* عقرتر	عجیب تر
* وققرتر	وقیح تر
* شیرنتر	شیرین تر
* هماتاقی	هم اتاقی

اما در واژگانی مانند بیشتر، حرف ماقبل «تر» که «ش» است، با حرف «ت» شباهت چندانی ندارد، به صورت * بیش تر نوشته نمی شود.

۱۰.۶.۴. قاعده ۱۰

«وند» یک واژه علمی یا کلیدواژه، که نیاز به تأکید دارد، و یا واژه‌ای که در گیومه قرار داده شده است، و یا واژه‌ای که از زبانهای اروپایی گرفته شده و کاملاً فارسی نشده است، به صورت جدا نوشته می شود؛ مثلاً در:

مقاومت‌ها، در الکترونیک، که به ابزار خاصی اشاره می کند، و جدانویسی آن نوعی تأکید به مقاومت می دهد؛

– «راه» ها، «آب» ها، و «آرام» تر، که در آنها، هسته در گیومه قرار داده شده است؛

– آنالوگ‌ها، آی سی ها، و چیپ‌ها که واژه‌های اروپایی نامأنوسی هستند؛ اما مثلاً صورت جمع سیستم، سیستمها است، زیرا سیستم واژه‌ای است که در فارسی کاملاً پذیرفته شده است، و امروزه یک «واژه فارسی» محسوب می شود.

۱۱.۶.۴. قاعده ۱۱

پسوندهای تصریفی فعل و ضمایر اضافی و ملکی، غالباً به صورت چسبان نوشته می‌شوند، اما در مواردی یک «ا» به ابتدای پسوند اضافه می‌شود: در هر حال، صورت پسوند را از روی تلفظ کلمه مشتق می‌توان مشخص ساخت. مثلاً:

– راحت (راحت هستم)، به صورت * راحت‌ام نوشته نمی‌شود، که این را از روی تلفظ کلمه می‌توان مشخص ساخت. اما برعکس، آواره‌ام، به صورت * آواره‌م یا * آوارم نوشته نمی‌شود؛ و تویی [تو هستی]، به صورت * توای یا توئی نوشته نمی‌شود؛ که دلیل آنها را از روی تلفظ کلمه می‌توان دریافت؛

– کتابم (کتاب متعلق به من)، به صورت * کتاب‌آم نوشته نمی‌شود، که این را از روی تلفظ کلمه می‌توان مشخص ساخت. اما برعکس، خانه‌ام، به صورت:

* خانه‌م یا * خانام

نوشته نمی‌شود، که دلیل آن را از روی تلفظ کلمه می‌توان دریافت؛

– در برخی موارد، نویسنده برای تأکید، پسوند تصریف را به عنوان یک کلمه کوتاه‌شده به کار می‌برد، که در این صورت، تلفظ آن دارای تأکید (بر روی پسوند) است. مثلاً:

– عبارت‌اند به جای عبارتند؛

– خوب‌اند به جای خوبند؛

که در ویرایش، این نوع تأکیدها را باید به عنوان ویژگیهای سبکی نویسنده به حساب آورد و نباید آنها را تغییر داد.

همچنین، یکم، دوم، سوم، بیستم، چهلیم، و غیره، به همین صورت نوشته

می‌شوند؛ به جز سی ام، که نباید به صورت * سیم یا * سیام نوشته شود.

۱۲.۶.۴. قاعده ۱۲

اگر پسوند «ی» به عنوان «یا» نسبت، تکرره، و غیره، به هستهٔ مختوم به «-ی» اضافه شود، ترکیب آنها به صورت «یی» در می‌آید؛ هرچند، تلفظ کلمهٔ حاصل با صورت نگارشی آن اندکی تفاوت دارد. این مطلب در مثالهای زیر مشخص شده است:

هسته	درست (هسته با پسوند «ی»)	نادرست	نادرست
جوانی	جوانیی	* جوانی ای	* جوانی ئی
خوبی	خوبیی	* خوبی ای	* خوبی ئی
ریاضی	ریاضیی	* ریاضی ای	* ریاضی ئی
مستی	مستی	* مستی ای	* مستی ئی

صورت فوق در سالهای اخیر کاملاً متداول شده است و به همین دلیل می‌توان آن را به عنوان قاعده یا قرارداد پذیرفت.

۱۳.۶.۴. قاعده ۱۳

حرف اضافهٔ «به» در موقع اضافه شدن به این، و آن به صورت بدین، و بدان در می‌آید. اما صورت به این و به آن نیز درست است.

۱۴.۶.۴. قاعده ۱۴

پیشوند التزام (امر، تأکید، شرط، و غیره) «ب-»، در موقع اضافه شدن به برخی از فعلها تغییر می‌کند.

«ب-» در موقع اضافه شدن به ستاک آغازشونده با «ا-» تبدیل به «بی-» می‌شود، و

در ضمن، «ا» آغازین ستاک می‌افتد؛ مثلاً در:

مصدر	درست (التزام با «ب»)	نادرست
افتادن	بیفتاد	* بافتاد
افرازیدن	بیفرازیم	* بافرازیم
افراشتن	بیفراشتم	* بافراشتم
افروختن	بیفروخت	* بافروخت
افزودن	بیفزود	* بافزود
افشردن	بیفشرد	* بایفشرد
افشاندن	بیفشانید	* بافشانید

اگر فعل با «ان» آغاز شود نیز همان قاعده اعمال می‌شود، هرچند صورت اشتقاق با «بی» کمی نامأنوس به نظر می‌رسد؛ مثلاً در:

مصدر	درست (التزام با «ب»)	نادرست
انباردن	بینبارد	* بانبارد
انباشتن	بینباشتم	* بانباشتم
انجامیدن	بینجامید	* بانجامید
انداختن	بینداخت	* بانداخت
اندوختن	بیندوخت	* باندوخت
اندوختن	بیندوز	* باندوز
اندیشیدن	بیندیشید	* باندیشید

اگر فعل با «ای» آغاز شود، که در فرهنگها فقط یک مورد مهم آن ضبط شده، که ایستادن است (و نیز ایستاندن، و ایستانیدن)، یک «ب» به ستاک اضافه و به صورت

چسبان نوشته می شود؛ یعنی:

مصدر	درست (التزام با «ب»)	نادرست
ایستادن	بایست، بایستید، بایستیم	* به ایست، * به ایستید، * به ایستیم

اطلاعات آماری نشان می دهد که این شیوه نگارش، در بافت، منجر به بروز ابهام نمی شود.

اگر فعل با «آ» آغاز شود، «آ» حذف می شود و یک «بیـ» به ابتدای اشتقاق اضافه می شود؛ مثلاً در:

مصدر	درست (التزام با «ب»)	نادرست
آراستن	بیاراستیم	* باراستیم
آراییدن	بیارای	* بارای
آرامیدن	بیارامید	* بارامید
آرمیدن	بیارمیدم	* بارمیدم
آزردن	بیازرد	* بازرد
آزماییدن	بیازمای	* بازمای
آزمودن	بیازمودید	* بازمودید

روشن است که در موارد دیگر، «ب»، مطابق قاعده اصل کلی، به هسته می چسبد؛ مثلاً در:

مصدر	دوست (التزام با «ب»)	نادوست
رفتن	برو	* به‌رو
گفتن	بگفت	* به‌گفت
شنیدن	بشنیدم	* به‌شنیدم
ورزیدن	بورزید	* به‌ورزید
وزیدن	بوزید	* به‌وزید
هراسیدن	بهراسیم	* به‌راسیم
یافتن	ییاب	* به‌یاب
یافتن	ییافت	* به‌یافت

۱۵.۶.۴. قاعده ۱۵

کلیه موارد مربوط به قاعده پیشوند التزام، در مورد پیشوند نفی «ن» و پیشوند نفی «م» نیز عیناً صدق می‌کند؛ مثلاً در:

مصدر	دوست (نفی با «ن»)	دوست (نفی با «م»)	نادوست	نادوست
افتادن	نیفتی	میفتی	* نافتی	* مافتی
افرازدن	نیفرازیم	میفرازیم	* نافرازیم	* مافرازیم
انباردن	نینبارد	مینبارد	* نانبارد	* مانبارد
انباشتن	نینباشتم	مینباشتم	* نانباشتم	* مانباشتم
آراییدن	نیارای	میارای	* نارای	* مارای
رفتن	نرو	مرو	—	—
گفتن	نگفت	مگفت	—	—

به جز مصدر ایستادن، که نفی آن نیست و نهی آن مایست است. (این استثنا، با استثنای قاعدهٔ پیشین نیز سازگاری دارد.)

۴.۷.۴ اصل ۳

بین عناصر هسته‌ای «کلمهٔ مرکب» سفیدی گذاشته نمی‌شود، و هریک از هسته‌های آن به صورت جدا، اما با سفیدی تهی، نوشته می‌شود.

برای مثال، کلمهٔ مرکب کتاب‌نویس شامل دو عنصر هسته‌ای کتاب و نویس است. اولاً نوشتن یا تحریر کتاب‌نویس به صورت زیر غلط است:

* کتاب نویس

زیرا بین «کتاب» و «نویس» نباید سفیدی گذاشته شود، و ثانیاً نوشتن آن به صورت * کتاب‌نویس نیز نادرست است، زیرا کتاب و نویس عناصر هسته‌ای پشت سرهم هستند و باید به صورت جدا اما با فاصلهٔ سفیدی تهی نوشته شوند. بنابر این، صورت درست آن، فقط:

کتاب‌نویس

است. مثالهای زیر نیز جدانویسی همراه با فاصلهٔ سفیدی تهی را در کلمات مرکب نشان می‌دهند:

نادرست	نادرست	درست
* جوان مرد	* جوانمرد	جوانمرد
* بزرگ سال	* بزرگسال	بزرگسال
* روان شناس	* روانشناس	روانشناس
* ریاضی دان	* ریاضیدان	ریاضیدان
* تک تاز	* تکتاز	تکتاز
* یک تا	* یکتا	یکتا
* پنج شنبه	* پنجشنبه	پنجشنبه
* آهن ربا	* آهنربا	آهنربا

واژه مرکب یک کلمه است و با عبارت که شامل بیش از یک کلمه است، تفاوت دارد. اگر واژه‌ای مرکب تلقی شود، عناصر آن باید مطابق اصل حاضر، جدا و با «سفیدی تهی» نوشته شوند. مثلاً یک‌شنبه، که یک کلمه مرکب است، باید با سفیدی تهی نوشته شود؛ اما عبارت یک کتاب، «دو کلمه» است و باید با فاصله «سفیدی» نوشته شود.

هر کلمه مرکب ممکن است از دو یا سه (یا حتی چهار) عنصر هسته‌ای تشکیل گردد. اگر کلمه مرکب دارای دو عنصر باشد، عناصر آن در چهار حالت ممکن با هم ترکیب می‌شوند:

۱. بسیط + بسیط (مثلاً در دوشنبه، سخن‌گو)؛
۲. بسیط + مشتق (مثلاً در جنگ‌افروزان، سخن‌گویی)؛
۳. مشتق + بسیط (مثلاً در گرماسنج، کاربرپسند)؛
۴. مشتق + مشتق (مثلاً در گرماسنجی، کاربرپسندان)؛

که چون کلمه بسیط می‌تواند یا «ریشه» باشد و یا «ستاک»، تعداد حالت‌های ترکیب

به ۱۶ می‌رسد. به همین ترتیب می‌توان نشان داد که تعداد حالت‌های اساسی کلمه مرکب با سه هسته، برابر با ۹ حالت است، که اگر در حالت‌های آن نیز بین ریشه و ستاک، تفیک گذاشته شود، تعداد حالت‌ها به ۸۱ حالت می‌رسد.

از نظر علم واژگان‌شناسی، هر عبارتی که به واژه مرکب تبدیل شود، یک واژه زبان به حساب خواهد آمد. مثلاً در انگلیسی، امروزه واژه *newsgroup* یک کلمه مرکب است و معنای آن با معنای *news group* (که عبارت و دو کلمه است) تفاوت دارد. (در انگلیسی ۲۰ سال پیش، واژه *newsgroup* وجود نداشت.) واژه *newsgroup*، به سهم خود موجب غنای زبان انگلیسی شده است. این مسئله که یکی از اصول اساسی علم واژگان‌شناسی است، بر نگارش و شیوه رسم الخط نیز تأثیر می‌گذارد.

به طور کلی، از نظر علم واژگان‌شناسی، افزوده شدن هر «کلمه مرکب» به واژگان یک زبان، یک سهم در غنای آن زبان به حساب می‌آید، و افزودن شدن هر «کلمه مشتق» سهم مهمتری در غنای زبان به حساب آورده می‌شود.

استثناهای اصل سوم

در فارسی امروز، توجه به خوانایی و سهولت نگارش ایجاب می‌کند که برخی از عناصر کلمات مرکب، به صورت چسبان و یا به صورت خاص دیگری نوشته شوند. در این شیوه‌نامه نیز این موارد به عنوان استثنا پذیرفته شده‌اند. خوشبختانه تعداد این استثناها زیاد نیست و مهمترین آنها در چند قاعده زیر تشریح شده‌اند.

در هر حال، باید توجه داشت که بین دو (یا سه) هسته کلمه مرکب، هرگز نباید سفیدی (فاصله خالی) قرار داده شود، و در جدانویسی، فاصله بین هسته‌ها، فقط می‌تواند سفیدی تهی (بدون فاصله) باشد. این مسئله شاید در نگارش دستی مشکل مهمی ایجاد نکند، اما در واژه‌پردازی کامپیوتری، مشکلات مهمی پدید می‌آورد. (مثلاً در همستون‌سازی حروفچینی کتاب‌فروش، ممکن است کتاب در سطر

بالایی، و فروش در سطر پایینی یا صفحه یا ستون بعدی قرار گیرد.)

۱.۷.۴. قاعده ۱

امروزه، برخی از واژگان که اصلاً «ستاک» هستند، نقش «پسوند» را پیدا کرده‌اند، که این مسئله نوعی معضل یا بلا تکلیفی پدید آورده است؛ مثلاً «_ساز» در واژگان علمی:

فعالساز، میزاساز، نرمساز، یکسوساز،

یا:

فعال ساز، میزاساز، نرمساز، یکسوساز.

به عبارت دیگر، از یک سو «_ساز» را می‌توان پسوند به حساب آورد، که در این صورت به طور طبیعی به هسته می‌چسبد، اما از سوی دیگر، «_ساز»، «ستاک مضارع» (از مصدر ساختن) نیز محسوب می‌شود؛ که در این صورت، حکم یک جزء از کلمه مرکب را پیدا می‌کند، و به طور طبیعی جدا و با فاصله سفیدی تهی نوشته می‌شود.

«ساز»، در واژگان فارسی غیرعلمی قدیمی، کاربرد بسیار اندکی داشته است (کمتر از پنج واژه عمومی قدیمی دارای ستاک «ساز» هستند). اما تعداد زیادی واژه زبان عمومی امروز با «ساز» یافت می‌شوند که در آنها، «ساز» مشخصاً «ستاک» است؛ مانند درساز و پنجره‌ساز و کتاب‌ساز؛ که به ویژه کتاب‌ساز نباید به صورت * کتاب‌ساز نوشته شود.

در واژگان علمی، «_ساز» معمولاً پس از صفت می‌آید، و معادل کننده است. مثلاً در آشکارساز، برابر ساز، بی‌رنگ‌ساز، پاک‌ساز، پودری ساز، فام‌ساز، جابجاساز، جداساز، چگالساز، و غیره، که در آنها، «صفت+ساز» معنای «صفت+کننده» را دارد، و معمولاً می‌توان ترکیب آنها را «اسم مشتق» به حساب آورد. به عبارت دیگر،

«-ساز» در اینجا واقعاً به معنای سازنده نیست. بیش از ۸۰ واژه «علمی» جدید دارای پسوند «-ساز» یا ستاک «ساز» هستند. (کمتر از ۱۰ واژه علمی با پسوند «-ساز» می‌توان یافت که نگارش آنها به دلیل توجه به مسئله خوانایی، به هر دو صورت چسبان و جدا امکان‌پذیر است، که بهتر است همگی چسبان نوشته شوند.) اما همچنان که ذکر شد، در واژگان عمومی جدید، «اسم+ساز» به عنوان کلمه مرکب به کار می‌رود و معنای «اسم+سازنده» دارد؛ مثلاً در درساز، پنجره‌ساز، سبک‌ساز، رادیوساز، کاربورات‌ساز، و راه‌ساز. تعداد این نوع واژگان مرکب در فارسی بسیار زیاد و نامشخص است.

اشخصاضی که با پردازش زبان طبیعی [NLP] سروکار دارند، باید در این گونه موارد، واژگان جدیدی تعریف کنند: به ویژه تعریف واژه‌ای مانند شبه‌پسوند یا شبه‌ستاک ضروری است. شاید هم بتوان «ستاک»‌ها یا «پسوند»‌هایی را که عملاً تغییر معنا داده‌اند، نکواژه‌های شبه‌دستوری نامید.

در هر حال، گرایش به هریک از دو شیوه چسبان‌نویسی، یا جدانویسی، در مورد، به اصطلاح، شبه‌پسوند/شبه‌ستاک، نوعی تمایز سبکی محسوب می‌شود و در ویرایش نمی‌توان آن را تغییر داد.

به طور کلی، برخی از کلمات بسیط (ریشه یا ستاک)، هنگامی که در کلمه مرکب به کار می‌روند، مشابه پیشوند یا پسوند به صورت چسبان نوشته می‌شوند. تعداد این نوع شبه‌پسوندها زیاد نیست، و نمونه‌های آنها به جز «-ساز»، عبارت‌اند از:

«-خانه» در کتابخانه، گلخانه، و غیره؛

«-نامه» در کتابنامه، سالنامه، شاهنامه، و غیره؛

«-جا» در اینجا و آنجا؛

«-گو» در سخنگو، گفتگو، و غیره؛

«-چین» در حرفچین، گلچین، و غیره.^۱

این موارد نیز مشابه شبه‌هسته، شبه‌پسونم، یا تکواژ شبه‌دستوری هستند و اگر نویسنده‌ای مایل باشد می‌تواند در نگارش، آنها را جدا یا چسبان بنویسد. در این صورت، ویراستار نیز باید گرایش نویسنده را تمایز سبکی به حساب بیاورد. نکته. بررسی این نوع واژگان در ریشه‌شناسی مسئله دیگری است که به موضوع کتاب حاضر مربوط نمی‌شود.

۲.۷.۴. قاعده ۲

فعل است را پس از کلمات مختوم به «ا» و «و» می‌توان بدون «ا» نوشت. فعل است پس از کلمات مختوم به «ا» به هریک از دو صورت زیر نوشته می‌شود:

الف- کلمه + ست

ب- کلمه + است

مثلاً در:

درست	دروست
تواناست	توانا است
دانااست	دانا است
زیباست	زیبا است
مرباست	مربا است
اجراست	اجرا است
اداست	ادا است
خداست	خدا است
دعواست	دعوا است
صداست	صدا است
ماچراست	ماچرا است
هواست	هوا است

فعل است پس از کلمات مختوم به «و»، اگر به عنوان مصوت بلند «u» تلفظ شود، به هریک از دو صورت زیر نوشته می‌شود:

الف- کلمه + ست

ب- کلمه + است

مثلاً در:

درست	درست
الگو است	الگوست
او است	اوست
بانو است	بانوست
پتو است	پتوست
تو است	توست
ترازو است	ترازوست
جادو است	جادوست
راستگو است	راستگوست
کمرو است	کمروست
ماجر اجو است	ماجر اجوست
نیرو است	نیروست
هیاهو است	هیاهوست

اما اگر «و» پایانی کلمه به صورت مصوت مرکب «ow» یا صامت «v» تلفظ شود، هر کلمه به طور مستقل می‌آید. مثلاً در:

نادرست	درست
* خودرؤست	خودرؤ است
* عضوست	عضو است
* عفوست	عفو است
* کنجکاوست	کنجکا و است
* گاوست	گا و است
* مملوست	مملو است
* نوست	نو است

نکته. برخی از کلمات، مانند چیست، کیست، و نیست، به طور متعارف فقط به همین صورت چسبان نوشته می شوند. همچنین،
نکته. در واژه پردازی کامپیوتری، به ویژه به هنگام جستجو و تعویض، باید مراقب واژگان زیر بود:

ایست، ییست، ترور یست، پست، خواست، درست، دست، دوست، راست،
ژست، سست، سوسیالیست، سیاست، شست، شکست، فهرست، کمونیست،
لیست، مست، میهن پرست، نادرست، هست، همدست

که تعداد کل مهمترین آنها، حدود ۳۰ واژه است.

۳.۷.۴. قاعده ۳

کلمه مرکبی که هسته دوم آن با حرف «آ» آغاز شود، معمولاً به صورت چسبان نوشته و «آ» به «ا» تبدیل می شود؛ مثلاً در:

نادرست	درست
* پس آیند	پسایند
* پیش آمد	پیشامد
* خوش آیند	خوشایند
* دست آویز	دستاویز
* دل آرام	دلارام

اما «آ» در مواردی مانند درآمد، فرایند، و کارآمد، ممکن است به دلیل بار علمی، به صورت جدا نیز به کار برده شود.

نکته. از آنجا که تعداد این واژگان (با عنصر دوم آغازشونده با «آ») در فارسی زیاد نیست، نگارش آنها به عنوان کلمه مرکب و براساس قاعده کلی «جدانویسی بدون سفیدی هسته‌های کلمه مرکب» ممکن است بهتر باشد.

۴.۷.۴. قاعده ۴

برخی از کلمات، که جزو کلمات مرکب محسوب می‌شوند، به طور متعارف و رایج به صورت چسبان نوشته می‌شوند؛ مثلاً در:

جابه‌جا، روبرو، یکتا، یکجا، یکدل، یکدیگر، یکرو، یکزیان، یکسو، یکنواخت، و غیره؛

که البته، ممکن است نویسنده‌ای چنین بپسندد که آنها را نیز جدا (اما با سفیدی تهی) بنویسد؛ زیرا به هر حال، این کلمات مرکب هستند. (مثلاً جابه‌جا، روبرو، یک‌تا، یک‌جا، و غیره.)

۵.۷.۴. قاعدة ۵

برخی از کلمات را می‌توان هم مرکب به حساب آورد و هم عبارت؛ مثلاً در موارد زیر:

آن که، آن گاه، این جانب، این که، بعد از ظهر، بنابر، به علاوه، حرف اضافه، علاوه بر، گرچه، هر یک، هر دو، هر کدام، هر گاه، هیچ کس، هیچ گاه، هیچ وقت، هیچ یک، و غیره؛

که در اینجا کلمه مرکب به حساب آورده شده‌اند، و با سفیدی تهی نوشته شده‌اند. این نوع کلمات را می‌توان عبارت به حساب آورد، که در این صورت، با فاصله سفیدی و جدا نوشته می‌شوند. (مثلاً آن که، آن گاه، و غیره.) اما در هر حال، نوشتن آنها به صورت چسبیده، مانند * اینکه، و * آنکه نادرست است.

۶.۷.۴. قاعدة ۶

کلمات و عبارتهای عربی را که در فارسی یک کلمه محسوب می‌شوند، باید به صورت «کلمه مرکب»، و به صورت جدا و با سفیدی تهی نوشت؛ مثلاً:

نادرست	نادرست	درست
* انشاء الله	* ان شاء الله	ان شاء الله
* علی حده	* علی حده	علی حده
* علیرغم	* علی رغم	علی رغم
* مع ذالک	* مع ذالک	مع ذالک
* مع هذا	* مع هذا	مع هذا

۴. ۸. ۴ اصل ۴

بین دو کلمه مجزا (بسیط، مشتق، یا مرکب) سفیدی قرار داده می‌شود، و بدیهی است که به صورت مجزا نوشته می‌شوند.

مثلاً:

* آن کتاب

نادرست است، زیرا بین «آن» و «کتاب» باید یک سفیدی گذاشته شود.
نمونه‌های دیگر:

نادرست	نادرست	درست
* آن را	* آنرا	آن را
من را	* منرا	من را
به او	* باو	به او
این کتاب	* اینکتاب	این کتاب
به کار می‌رود	* بکار می‌رود	به کار می‌رود
خوب است	* خوبست	خوب است
ادبیات فارسی	* ادبیاتفارسی	ادبیات فارسی
زبان فارسی	* زبانفارسی	زبان فارسی

دو یا چند کلمه مجزا ممکن است تشکیل یک عبارت یا اصطلاح را بدهند.

استثناهای اصل چهارم

در فارسی امروز، توجه به خوانایی و سهولت نگارش ایجاب می‌کند که به فاصله بین کلمات توجه ویژه‌ای شود. طبق یک پژوهش کلی، که برای تدوین شیوه‌نامه حاضر

انجام شده، بیشترین خطای رسم الخطی موجود در کتابهای چاپی فارسی، تا سال ۱۳۸۰، بی توجهی به سفیدی بین کلمات بوده است. به عنوان مقایسه، این مسئله در زبانهای دارای خط لاتین، تقریباً وجود ندارد، و فقط در برخی کتابهای الکترونیکی رایگان که بدون ویرایش منتشر می شوند، ممکن است به چشم بخورد. (گاهی نیز عمداً چنین خطاهایی را در کتاب الکترونیکی درج می کنند تا در زمان مشاهده کپی بدون مجوز، بتوانند شکایت قانونی خود را به آسانی و با مدرک مستند پیش ببرند.) به هر حال، دلیل اصلی این امر در تفاوت اساسی خط فارسی و خط لاتین است. مسئله دیگر، اندازه فاصله سفیدی بین کلمات در حروفچینی است، که معمولاً توسط واژه پرداز کامپیوتری تعیین می شود. در ویرایش، باید توجه شود که این اندازه ها منطقی و معقول باشند.

۱.۸.۴. قاعده ۱

موصول یا حرف ربط «که» یک کلمه است و جدا و همراه با سفیدی نوشته می شود؛ مثلاً در:

علی که آمد ...

مگر در موارد خاص که پیشتر اشاره شد (مثلاً در این که و غیره). به هر حال، که هیچ گاه به کلمه قبل یا بعد نمی چسبد (مثلاً * این که همواره نادرست است).

۲.۸.۴. قاعده ۲

کسره اضافه یا وصف، هنگامی که مضاف یا موصوف به «ا»، یا «و»، مختوم باشد، تبدیل به «ی» می شود؛ مثلاً در:

– بهای کتاب،

– خدای بزرگ،

- صفای قدم،
- دوی استقامت،
- کوی دوست،
- منوی نوشیدنیها.

۳.۸.۴. قاعده ۳

کسره اضافه یا وصف، هنگامی که مضاف یا موصوف به «ه» مختوم باشد، تبدیل به همزه روی «ه» می شود؛ مثلاً در:

- خانه ما،
- نامه تند،
- بنفشه سفید.

در برخی از واژه پردازها، همزه روی «ه» یک کاراکتر مجزا است، و همان است که روی «و» (مثلاً در مؤلف)، و روی «ا» (مثلاً در خلا) می آید. اما در برخی دیگر، همزه روی «ه» و خود «ه» مجموعاً یک کاراکتر به حساب می آیند. (یعنی «ه»، «و»، و «ا» کاراکترهای معینی هستند و ترکیب دو کاراکتر به حساب نمی آیند.)

۴.۸.۴. قاعده ۴

کسره اضافه در نگارش اسم و فامیل حذف می شود، هرچند ممکن است در گفتار تلفظ شود؛ مثلاً در:

نادرست	درست
* احمد رضای احمدی	احمد رضا احمدی
* مینوی احمدی	مینو احمدی
* زهره احمدی	زهره احمدی
* مرتضای احمدی	مرتضی احمدی

۴.۵.۸.۵. قاعدة ۵

افعال ترکیبی که از دو یا چند کلمه تشکیل می‌شوند، به صورت مجزا و با سفیدی نوشته می‌شوند؛ مثلاً در:

نادرست	درست
* سخن گفتن	سخن گفتن
* کنار آمدن	کنار آمدن
* به کار بردن	به کار بردن
* درنگ کردن	درنگ کردن
* نگه داشتن	نگه داشتن
* پیش بردن	پیش بردن

اما اگر افعال مذکور به اسم یا صفت یا قید تبدیل شوند، باید بدون فاصله نوشته شوند؛ مثلاً در:

- سخن گفتن‌های او را دیدیم؛
- این که دیگر کنار آمدنی نیست؛
- روش به کار بردنی تر این است که...

- اگر درنگ کردنی بود درنگ می کردم؛
- شاید نگه داشت این سیستم هزینه زیادی داشته باشد؛
- برای پیش برد مقاصد خود هر کاری می کند.

در مواردی که صورت متعارف اسم یا صفت حاصل از فعل ترکیبی، چسبان باشد، می توان آن را مطابق صورت متعارف نوشت. مثلاً در نگه داشت، نگهداری، چشم داشت، پیشبرد، پیشرفت، و غیره (که نیازی نیست حتماً به صورت نگه داشت، نگهداری، چشم داشت، پیش برد، و غیره نوشته شوند). این نوع واژگان، استثنای اصل سوم نیز محسوب می شوند، اما در عوض، چون «محتوای اطلاعاتی» صورت چسبان واژگان، بیشتر از صورت جدای آنهاست، نگارش صورت چسبان قابل توصیه تر است. در ضمن، این نوع استثناءها، معمولاً لطمه ای به قواعد کلی وارد نمی سازند. از سوی دیگر، این استثنا با قاعده اول اصل سوم نیز مطابقت دارد.

۶.۸.۴. قاعده ۶

حرف ندا (مثلاً «ای»، «یا»، و غیره)، به عنوان یک کلمه مجزا و با سفیدی نوشته می شود؛ مثلاً در:

نادرست	درست
* ای انسان!	ای انسان!
* ای که نامت پرویز است!	ای که نامت پرویز است!
* یا امام غریب!	یا امام غریب!
* یا ارحم الراحمین!	یا ارحم الراحمین!

۷.۸.۴. قاعده ۷

اعداد، تاریخ، ساعت، اختصارات، کمیتها و پکاهای اندازه گیری، و عبارتهای علمی، کلمات مجزا محسوب می شوند، مشروط بر آن که از نظر دستوری، صفت نباشند؛ مثلاً در:

- یک انسان، ۱۰۰ کتاب، دو شب، ۲۰ سال؛
 - ششم خرداد، سال ۱۳۷۰، اول خرداد سال ۱۳۸۰؛
 - ۱۰ صبح، ۵ بعدازظهر، ۱۰ دقیقه به ظهر؛
 - ۷۲۶ ه.ق.، خ آزادی، ک ساداتی، ش ۱۵؛
 - انرژی الکتریکی، توان نیروگاه؛
 - ۲۰۰ وات، ۱۰ متربرثانیه، ۳۰۰ میلی ثانیه، ۶۱۵ ریشتر؛
 - باکتری مفید، عنصر رادیواکتیو، زبان فرترن، مدولاسیون دامنه.
- که همه آنها اسم (یا قید) هستند و به صورت جدا نوشته شده اند. اما مثلاً متری در ۱۰ متری صفت است و باید بدون سفیدی نوشته شود. (یعنی * ۱۰ متری نادرست است.)
- اعداد ترتیبی، کسری، اعشاری، فرمت E، و غیره، باید به صورت یک کلمه مستقل (مشتق یا مرکب) نوشته شوند؛ مثلاً:

- یکم، دوم، دهم، صدم؛
 - یکدوم، یکصدهزارم، یکمیلیونم؛
 - یکونیم، دوو سه صدم، سه ممیز چهارده؛
 - یک ای بیست، یک ت بیست.
- که در صورت نیاز، بین اجزای آنها خط تیره وصل قرار داده شده است.

۴.۸.۸.۴. قاعده ۸

عبارت‌های علمی، که از نظر دستوری اسم هستند، ممکن است به صورت صفت نیز کاربرد داشته باشند. در این صورت، صفت باید طوری نوشته شود که یک کلمه به حساب بیاید، حتی اگر از چند کلمه تشکیل شده باشد. بدین منظور، دو راه وجود دارد. معمولاً بهترین راه این است که یک خط تیره وصل بین کلمات قرار داده شود؛ مثلاً در:

عبارت اسمی	صفت	نمونه جمله دارای صفت
اتصال کوتاه	اتصال کوتاه	یک مدار اتصال کوتاه بسازید
مدار باز	مدار باز	آزمایش مدار باز را انجام دهید
مدار کوتاه	مدار کوتاه	حالت مدار کوتاه را بررسی کنید
کنترل کامپیوتری	کنترل کامپیوتری	دارای یک سیستم کنترل کامپیوتری است
ممیز شناور	ممیز شناور	3.3E4 یک عدد ممیز شناور است
مدولاسیون پسامد	مدولاسیون پسامد	این رادیو دارای سیستم مدولاسیون پسامد است
پسامد بالا	پسامد بالا	این رادار دارای سیستم پسامد بالا است

بیش از ۸۰ درصد از حدود ۱۰۰ هزار واژه علمی فارسی، عبارت اسمی هستند. بنابراین، می‌توان پذیرفت که چندین هزار واژه عبارتی فارسی وجود دارد که از نظر دستوری اسم هستند، و همان‌گاه با قرار دادن یک خط تیره وصل، تبدیل به صفت می‌شوند. مثلاً:

پسامد بالا

یکی از این واژگان است که در اصل به صورت عبارت اسمی:

پسامد بالا

بوده است، اما با قرار گرفتن یک خط تیره وصل، در بین دو کلمه، تبدیل به صفت شده است. بدین ترتیب، واژگان دیگری را نیز می‌توان از روی آن ساخت. مثلاً بسامد-بالا تر، بسامد-بالا تری، بسامد-بس-بالا تر، غیر بسامد-بالا، و غیره. این شیوه، علاوه بر صورت املائی بدون ابهام، در واژگان‌شناسی علمی زبان فارسی نیز کاربرد دارد.

از سوی دیگر، عبارت اسمی متشکل از عدد و یکای اندازه‌گیری، اگر بدون فاصله بین دو کلمه نوشته شود، بدون نیاز به گذاشتن خط تیره وصل، تبدیل به صفت می‌شود؛ اما معمولاً یک «ی» نیز باید به انتهای ترکیب اضافه شود. برای مثال:

عبارت اسمی	صفت	مثال
۱۰۰ متر	۱۰۰ متری	فاصله ۱۰۰ متری را دیدیم
۲۲۰ ولت	۲۲۰ ولتی	به ولتاژ ۲۲۰ ولتی وصل است
۲۲۰ ولت	۲۲۰ ولت	ولتاژ ۲۲۰ ولت را می‌سنجد
۱۰ مگابایت	۱۰ مگابایتی	به حافظه ۱۰ مگابایتی نیازمندیم
۱۰ مگابایت	۱۰ مگابایت	به حافظه ۱۰ مگابایت نیازمندیم

مهمترین ویژگی شیوه اخیر این است که محتوای اطلاعاتی عبارتهای اندازه‌گیری را افزایش می‌دهد. برای شرح بیشتر رجوع کنید به فرهنگ یکاهای اندازه‌گیری (۱۳۷۶).

۹.۸.۴. قاعده ۹

با متصل کردن دو کلمه یک عبارت، ممکن است یک کلمه مرکب دارای هویت ساخته شود. مثلاً عقیدتی-سیاسی، که معمولاً صفت است و یک کلمه محسوب می‌شود؛ و فیزیک-شیمی، که معمولاً اسم است و یک کلمه محسوب می‌شود. در کلماتی که با خط تیره وصل به هم متصل می‌شوند، خط تیره، ممکن است جایگزین

«و» عطف شده باشد. مثلاً در عقیدتی-سیاسی، که در اصل عقیدتی و سیاسی بوده، و فیزیک-شیمی، که در اصل فیزیک و شیمی بوده است.

۵.۹.۴. اصل ۵

نگارش فارسی باید با حروف الفبا و اعراب فارسی، سازگاری داشته باشد، و ضمن گرایش به سادگی، صورت نوشتاری کلمات به تلفظ آنها نزدیکتر باشد. گرایش به سادگی ایجاب می‌کند که در صورت لزوم، از «پیش‌فرض» [default] موجود در صورت نوشتاری نیز بهره‌برداری شود.

مسئله اصلی نگارش، املاي کلمات است که بازمینی آن با مراجعه به یک فرهنگ فارسی، مانند فرهنگ معین، امکان‌پذیر می‌گردد. اما در فارسی امروز، صورت املاي بسیاری از واژگان، دارای استاندارد معینی نیست و واژه ممکن است دارای دو یا چند املا باشد. البته صورت دواملایی مشکل چندان مهمی نیست. در زبانهای دیگر، مانند انگلیسی نیز صورت دواملایی یا چنداملایی وجود دارد.

۱.۱۰.۴. قاعده ۱

در کلمات فارسی، به جای همزه چسبان («ث»)، از «ی» استفاده می‌شود؛ مثلاً در:

فادرست	درست
* آئین	آیین
* آئینه	آئینه
* پائیز	پاییز
* بینائی	بینایی
* چائیدن	چاییدن
* شنوائی	شنوایی
* گوئی	گویی

تعداد این نوع واژگان فارسی، که گاهی به شیوه عربی با همزه نوشته می‌شوند، بسیار زیاد است. به ویژه در صرف فعل، مثلاً پسوند تصریفی * نیم که باید به صورت نیم نوشته شود. (برای مثال، * می‌گوئیم باید به صورت می‌گویم نوشته شود.)

۲.۱۰.۴. قاعده ۲

همزه آغازین در فارسی وجود ندارد، و کلمات همزه‌دار فارسی و عربی در فارسی با «آ» یا «ا» نوشته می‌شوند. مثلاً در:

آب، آخر، آب، آسب، اسم، آسوه، امید

روشن است که تعداد این واژگان فارسی، یا عربی در فارسی، بسیار زیاد است (حدود ۱۳ درصد از کل واژگان). از نظر آواشناسی و واج‌شناسی فارسی، این کلمات دارای همزه آغازین هستند، اما در املاي فارسی این همزه درج نمی‌شود.

۳.۱۰.۴. قاعده ۳

همزه وسط، بسته به این که دارای چه نوع صدایی باشد (a, o, u, i, e و ساکن)، دارای هفت حالت است:

الف_ همزه وسط مفتوح، معمولاً به صورت «ا» نوشته می‌شود؛ مثلاً در:

توأم، جرات، نشأت، هیأت

به ویژه اگر حرف پس از همزه وسط مفتوح، مشدد باشد؛ مثلاً در:

تأثر، تأخر، تأدب، تأسف، تأسی، تألم، تأمل، تأنی، تأهل، متأثر، متأخر، متأدب، متأذی، متأسف، متأسی، متألم، متأمل، متأهل.

همچنین، همزه وسط مفتوح، پس از مصوت کوتاه «o»، به صورت «و» روی

«و» [ؤ] در می‌آید؛ مثلاً در:

رؤسا، مؤخر، مؤثر، مؤدب، مؤدی، مؤذن، مؤسس، مؤسسه، مؤکد،
مؤلف، مؤنت، مؤید.

(اصولاً همزه بالای روی «و» (یعنی صورت «ؤ») یک قاعده همگانی است
و در مورد همه صداهای همزه پس از «و» صدق می‌کند).
نکته. چهار واژه زیر جزو استثنای همزه مفتوح محسوب می‌شوند:

برائت، ذنات، قرائت، مسئله

و همزه وسط مفتوح، در ان شاء الله و ماشاء الله و برخی واژگان ترکیبی دیگر
عربی در فارسی مانند ماء الحیات به همین صورت (همزه جدای روی خط
کرسی، «ء») نوشته می‌شود.

ب- همزه وسط مکسور، در واژگان عربی در فارسی، معمولاً به صورت
«یب» نوشته می‌شود؛ به ویژه اگر قبل از همزه، مصوت بلند «A» آمده باشد؛
مثلاً در:

فادرست	درست
* جائز	جایز
* جراند	جراید
* جرائم	جرایم
* جوائز	جوایز
* حائز	حایز
* حوائج	حوایج

تعداد این واژگان عربی در فارسی زیاد است.

در چند مورد، که تعداد آنها اندک است، از جمله ارائه، اسائه، دائم، قائم، و مسائل، همزه وسط مکسور به هر دو صورت «ئ» و «ی» نوشته می شود. اما در چند مورد، عمدتاً فقط چهار واژه ائمه، تبرئه، تخطئه، و توطئه، همزه وسط مکسور فقط به صورت «ئ» نوشته می شود.

بـ همزه وسط دارای مصوت بلند «u»، به صورت «ئ» نوشته می شود؛ مثلاً در:

رنوف، شئون، مرئوس، مسئول،

که تعداد این واژگان در فارسی بسیار اندک است.

نکته. واژه زائو معمولاً به همین صورت نوشته می شود.

تـ همزه وسط دارای مصوت بلند «i»، به صورت «ئ» نوشته می شود؛ مثلاً در:

اسرائیل، جبرئیل، جزئی، و مرئی

تعداد این واژگان نیز در فارسی اندک است.

ثـ همزه وسط دارای مصوت بلند «A»، به صورت مد روی الف («آ» جدا یا چسبان) در می آید؛ مثلاً در:

بالمال، مآب، مأخذ، مرآت، منشآت

تعداد این واژگان نیز در فارسی اندک است. (استثنای سیئات نیز وجود دارد.)

در ضمن، در واژگان عربی در فارسی، همزه پس از «و»، همچنان که

اشاره شد، حتی اگر دارای مصوت بلند «A» باشد، به صورت «و» نوشته می‌شود؛ مثلاً در مؤانست، فؤاد، و سؤال. در ضمن، چون جز فؤاد و سؤال واژه عربی پرکاربرد دیگری در فارسی وجود ندارد، نوشتن آن دو به صورت فواد و سوال نیز اشکالی ندارد و امروزه تاحدودی متداول شده است.

ج- همزه وسط مضموم در واژگان عربی در فارسی، عملاً وجود ندارد.

چ- همزه وسط ساکن، معمولاً به صورت «ا» در می‌آید. مهمترین این واژگان در فارسی عبارت‌اند از:

تأیید، تأثیر، تأجیل، تأخیر، تأدیب، تأدیه، تأسیس، تأکید، تألیف، تأمین،
تأنیث، تأویل، رافت، رأی، شأن، طمأنینه، مأجور، مأخذ، مأخوذ،
مأذون، مأكول، مألوف، مأمّن، مأمور، مأموم، مأمون، مأنوس، مأوی،
مأیوس، مستأجر، مستأصل، یأجوج، یأس.

به جز واژه ائتلاف، که استثنا محسوب می‌شود.

همچنین، همزه ساکن پس از مصوت «O»، همواره به صورت «و» نوشته می‌شود؛ مثلاً در:

مؤبد، مؤمن، رؤیا، رؤیت، لؤلؤ

۴.۱۰.۴. قاعده ۴

در کلمات عربی در فارسی، همزه آخر نیز می‌تواند دارای هفت حالت باشد، که در چهار حالت خلاصه می‌شوند.

الف- همزه پایانی پس از مصوت بلند «A»، در فارسی، غالباً حذف می‌شود؛ مثلاً در:

فادوست	دوست
* ابتداء	ابتدا
* ابتلاء	ابتلا
* ابداء	ابدا
* ابقاء	ابقا
* اثناء	اثنا
* اجزاء	اجزا
* احشاء	احشا
* احصاء	احصا
* احياء	احيا

که تعداد این واژگان عربی در فارسی زیاد است. (در ضمن، همچنان که پیشتر اشاره شد، کسره اضافه پس از این واژگان به «ی» تبدیل می‌شود؛ مثلاً در ابتدای کار، اجزای کتاب، و غیره.)

ب- همزه پایانی پس از مصوت کوتاه «o»، به صورت «و» در می‌آید؛ مثلاً در:

تواطؤ، امرؤ، لؤلؤ، تلألؤ

تعداد این واژگان عربی در فارسی بسیار اندک است.

پ- همزه پایانی پس از مصوت کوتاه «a» نیز به صورت همزه بالای «و» در می‌آید؛ مثلاً در:

خلا، مبدأ، ملجأ، منشأ

تعداد این واژگان عربی در فارسی بسیار اندک است.

ت- همزه پایانی پس از مصوت بلند «u»، و نیز پس از هر نوع صامت، به

صورت «ء» در می آید؛ مثلاً در:

سوء، جزء، شیء

تعداد این واژگان عربی در فارسی بسیار اندک است.

۵.۱۰.۴. قاعده ۵

تنوین در واژگان عربی در فارسی، عمدتاً به تنوین نصب (« = ») بالا، به ویژه در «ا» محدود می شود. امروزه، هر نوع واژه عربی در فارسی، که دارای تنوین نصب باشد، به صورت «ا» نوشته می شود، حتی اگر در عربی صورت دیگری داشته باشد. مثلاً در:

ابدأ، احیاناً، ایضاً، ظاهراً، عمداً، قطعاً، واقعاً

همچنین در:

ابتدائاً، استثنائاً، اولاً، ثانیاً، حقیقتاً، جزئاً، دفعتاً، ذاتاً، طبیعتاً، عجالتاً، عمدتاً، قاعدتاً، نسبتاً.

تعداد این کلمات در فارسی نسبتاً زیاد است، و در بیشتر موارد، صورت املایی آنها اندکی با صورت اصیل عربی آنها تفاوت دارد.

نکته. بدیهی است که واژگان غیرعربی در فارسی تنوین نمی گیرند. مثلاً در:

* دوماً، * تلفناً، * ناچاراً، * خواهشاً، * گاهاً

اما گاهی برای ایجاد تمایز سبکی عمدی، مثلاً در تبلیغات، و یا در متون نقد و طنز، واژگان غیرعربی را با تنوین به قید تبدیل می کنند.

تنوین رفع («ُ») که دارای تلفظ «on» است، در فارسی کاربرد بسیار کمتری دارد، و به واژگانی چون:

مسنذالیه، مشارالیه، مضافالیه، مقسوم علیه، معظم له

محدود می شود. در بیشتر موارد، نگارش واژگان عربی در فارسی، که دارای تنوین رفع هستند، بدون تنوین، متداول شده است. مثلاً مضافالیه، مشارالیه، و غیره. (حتی تلفظ و آوانگاشت آنها نیز بدون «on» تنوین ضبط می شود).

۴.۱۰.۶. قاعده ۶

واژگان عربی در فارسی که به الف مقصور («ث») در «ی» ختم می شوند، در فارسی، غالباً با «ا» نوشته می شوند. مثلاً در:

نادرست	درست
* اعلی	اعلا
* بلوی	بلوا
* تقوی	تقوا
* خنثی	خنثا
* شوری	شورا
* فتوی	فتوا
* مستثنی	مستثنا
* محتوی	محتوا
* مقتدی	مقتد
* منادی	منادا

اما برخی از واژگان عربی در فارسی، غالباً فقط با «یای مقصور» نوشته می شوند. مثلاً حتی، علی رغم، متوفی، و غیره، که البته دلیل خاصی برای این تفاوت وجود ندارد. حتی برخی از نویسندگان، کلیه واژگان عربی در فارسی را که دارای یای

مقصور هستند، با «ا» می‌نویسند. به هر حال، این مسئله به تمایز سبک‌شناختی نویسنده مربوط می‌شود و ویراستار نباید آن را تغییر دهد، مگر آن‌که ناسازگاری آشکاری در نگارش مشاهده نماید.

نکته. در برخی از واژگان عربی در فارسی، «ی» از نوع مقصور نیست، مثلاً در:

متمادی، متواری، متوازی، مثنوی، مجاری، مجری، مساوی، مستوی،
معنوی، مغذی

و برعکس، در برخی واژگان دیگر، «الف» پایانی، در اصل «یای مقصور» نبوده است؛ مثلاً در تقاضا، معما، و غیره؛ و بدیهی است که در ویرایش دستی و کامپیوتری باید به آنها توجه شود.

در واژگان عربی در فارسی، که اسم خاص هستند، «یای مقصور» همانند عربی باقی می‌ماند. مثلاً در مصطفی، مرتضی، کبری، صغری، و غیره.

۴.۱۱.۱ اصل ۶

کلمات غیرفارسی، یا به صورتی نوشته می‌شوند که در فارسی متداول شده‌اند، و با فارسی سازگاری دارند، و یا باید به صورتی نوشته شوند که تلفظ آنها به زبان مبدأ نزدیکتر باشد.

همه این واژگان که تعداد مهمترین آنها به چند هزار می‌رسد باید در یک فرهنگ استاندارد فارسی ثبت شوند؛ و یا دست‌کم در یک فرهنگ کاریست فارسی (فصل سوم) توضیح داده شوند (مثلاً توسط مؤسسه استاندارد ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و سازمانهای بزرگ نشر).

۴.۱۱.۱.۱ قاعده ۱

کلمات لاتین در نگارش فارسی، همواره باید با حروف فارسی نوشته شوند، مثلاً:

نادرست	درست
* انرژی آن ۱۰۰۰ Btu است	انرژی آن ۱۰۰۰ بی‌تی‌یو است
* دارای بازیِ Sega است	دارای بازیِ سگا است
* به زبانِ BASIC بنویسید	به زبانِ بیسیک بنویسید
* از زبانِ C آسانتر است	از زبانِ سی آسانتر است
* دارای سیستمِ MS-DOS است	دارای سیستمِ ام‌اس_داس است
* به سیستمِ Windows نیاز دارد	به سیستمِ ویندوز نیاز دارد
* قطع کاغذِ A4 است	قطع کاغذِ آ_چهار است

مگر این‌که نگارش لاتین دلیل موجهی داشته باشد؛ مثلاً در نگارش نشانی ایمیل، نشانی پایگاه اینترنت، نام فایل، معادل لاتین کلمه یا اسم خاص در پرانتز یا گروه، و غیره.

۲.۱۱.۴. قاعدهٔ ۲

املا و تلفظ واژگان لاتین در فارسی، باید مطابق الگویی باشد که در نگارش فارسی سابقه داشته است. مثلاً ماههای سال میلادی، از قدیم با تلفظ فرانسه نوشته می‌شدند:

ژانویه، فوریه، مارس، آوریل، مه، ژوئن، ژوئیه، اوت، سپتامبر، اکتبر، نوامبر، دسامبر؛

و نباید با تلفظ انگلیسی، مانند * مارچ، * آگوست، * جون، و غیره نوشته شوند. همچنین، پسوند «-لوژی» فرانسه در فارسی چند ده سال کاربرد داشته است، و حتی در واژگان جدید علمی انگلیسی در فارسی نیز به کار می‌رود؛ مثلاً:

آلگولوژی، آمفی‌بیولوژی، آنستیزولوژی، آنمولوژی، آنیمیولوژی،

اگر وُستوُلوژی، اگر وُلوژی، اگر وُلوژی؛

و صورت مطابق با تلفظ انگلیسی * - لاجی نادرست است.

نمونه دیگر، پیشوند میکرو- (با تلفظ فرانسه) است که در فارسی سابقه دیرینه دارد، و باید در واژگان جدید نیز به همین صورت بیاید؛ مثلاً در میکروسافت، و میکرو کامپیوتر، که نباید به صورت * مایکروسافت، و * مایکرو کامپیوتر، نوشته شوند.

به طور کلی، املا و تلفظ بیشتر واژگان لاتین قدیم و جدید در فارسی، از الگوهای واژگان قدیمی فرانسه در فارسی پیروی می کنند. اما برخی از واژگان جدید لاتین در فارسی، که در فارسی صورت املایی شناخته شده ای نداشته اند، با املا و تلفظ انگلیسی نوشته می شوند، زیرا به هر حال، امروزه اغلب واژگان لاتین از انگلیسی وارد فارسی می شوند. مثلاً:

اسکنر، اکس تی، بک-بُن، دیتا-بیس، دیجیتال، سایبراسپیس، سایت، مموری،

ویرچوال

(در ضمن جالب است که فرانسوی ها نیز بسیاری از واژگان فناوری نوین را از انگلیسی به زبان خود وارد کرده اند و آنها را مطابق تلفظ و املاي انگلیسی ضبط می کنند.)

همزه در واژگان زبانهای اروپایی در فارسی به صورت «ه» نوشته می شود؛ مثلاً

در:

پنگوئن، تئودولیت، تئوری، تیروئید، تیفوئید، رئالیسم، ژئولوژی، ژوئن،

ژوئیه، سنانس

تعداد این واژگان در فارسی نسبتاً زیاد است، هرچند، امروزه برای بیشتر واژگان زبانهای اروپایی غیر از اسم خاص، معادل فارسی وجود دارد.

نکته. در واژگان زبانهای اروپایی در فارسی، همزه پایانی اصلاً وجود ندارد، و همزه آغازین نیز بسیار اندک است و غالباً با «ا» نوشته می‌شود. (مثلاً اورولوژی، که به صورت * ئورولوژی نوشته نمی‌شود.) به جز واژه قدیمی نیدروژن و تکواژ نیدرو، که البته امروزه براساس تلفظ انگلیسی آن با «ه» نوشته می‌شود.

۲.۱۱.۴. قاعده ۲

املاي واژگان انگلیسی در فارسی، باید با هجاهای فارسی (یعنی فقط CV، CVC، و CVCC) سازگاری داشته باشند. مثلاً:

درست	درست	نادرست
استادیوم	'estAdiyom	stAdiyom *
استاندارد	'estAndArd	stAndArd *
پلاستیک	pelAstik	plAstik *
ترافیک	terAfik	trAfik *
گرافیک	gerAfik	grAfik *

منظور این است که نگارش فارسی و هجانگاری و تلفظ فارسی با ویژگیهای خط و زبان فارسی سازگاری داشته باشند. به ویژه چون هجای CCV (نیز CCCV) در فارسی وجود ندارد، هجانگاشت و تلفظ * trA/fik به جای te/rA/fik (ترافیک) غلط است.

در ضمن، بهتر است تلفظ فارسی واژگانی چون سارتر، و لوستر، مطابق سنت فارسی به ترتیب به صورت sAr/ter و lus/ter ضبط شوند، و اصولاً از به اصطلاح **هجاهای قرضی** استفاده نشود. (در این نمونه، هجای قرضی، CVCCC است.)

مسئله هجانگاری فارسی مسئله کوچکی نیست و در ویرایش باید با دقت بسیار موردتوجه قرار گیرد. به ویژه در ویرایش **ترانه** که معمولاً فقط براساس الگوهای

سه گانه هجاهای فارسی تقطیع می شود و نیازی به تقطیع عروضی ندارد. همچنین، در واژه پردازی، پردازش زبان طبیعی فارسی، بازشناسی کاراکتر، و آوانگاری متن در اینترنت (مثلاً در متن اصلی ایمیل) توجه دقیق به محدودیت‌های آوانگاری و هجانگاری فارسی بسیار مهم است.

۳.۷.۹. قاعده ۳

در نگارش و هجانگاری و تلفظ کلمات خارجی تازه، به ویژه اسم خاص، باید هم اصول اساسی خط و زبان فارسی و هم تلفظ به زبان مبدأ موردنظر قرار داده شوند. مثلاً نام فوتبالیست‌های خارجی، در درجه نخست باید مطابق با الگوهای آوایی و هجایی فارسی، و در درجه دوم باید مطابق با تلفظ زبان اصلی ضبط گردد. به عنوان مثال، نام پرتغالی جرزینیو، اولاً با آواها و هجاهای فارسی سازگاری دارد و ثانیاً با تلفظ زبان اصلی تقریباً یکسان است. برای شرح بیشتر (در مورد راهنمای تلفظ ۱۰ زبان مهم اروپایی) رجوع کنید به راهنمای نویسنده (۱۳۸۱).

۴.۱۲.۴. اصل ۷

تیره وصل پایان سطر، به منظور شکستن کلمه و انتقال قسمت دوم به ابتدای سطر بعدی، در مکانی قرار می گیرد که حرف مرزی از نوع «تنها» باشد. علاوه بر این، اولویت، در درجه نخست با محلی از کلمه است که مرز بین هسته و هسته، و یا مرز بین هسته و وند است، و در درجه دوم با محلی از کلمه است که مرز بین هجاها است.

البته در فارسی به سه طریق می توان سطرها را همستون ساخت، بدون آن که نیازی به استفاده از تیره وصل باشد:

۱. درج سفیدی متغیر در بین کلمات سطر؛

۲. درج خط کرسی کوتاه و متغیر بین حروف چسبان؛

۳. ترکیبی از سفیدی متغیر و خط کرسی متغیر.

با این حال، در مواردی، استفاده از هریک از شیوه‌های فوق موجب بدترکیبی و نازیبایی سطر می‌شود، که در این صورت، شکستن کلمه و درج خط تیره وصل در پایان سطر ضروری می‌گردد.

قرار دادن خط تیره وصل بین تکواژها یا هجاهای کلمه را روال وصل-تیره‌گذاری [hyphenation routine] می‌نامند. روال وصل-تیره‌گذاری، روالی مکانیکی است برای شکستن کلمه و قرار دادن خط تیره در انتهای سطر، که توسط کامپیوتر یا حروفچین یا نسخه‌پرداز انجام می‌شود.

و اما مطابق اصل، تیره وصل (وصل-تیره) برای شکستن کلمه در پایان سطر، در مکانی قرار می‌گیرد که حرف آن از نوع تنها (غیروسط و غیرچسبان) باشد، و اولویت با مرز بین دو تکواژ، و سپس مرز بین دو هجا است.

برای شرح این اصل می‌توان آن را به سه قاعده تفکیک کرد. قواعد زیر، علاوه بر این که در حروفچینی دستی کاربرد دارند، روال وصل-تیره‌گذاری را در کامپیوتر به طور کامل می‌پوشانند و در برنامه‌سازی واژه‌پرداز فارسی نیز می‌توان از آنها استفاده کرد.

۴.۱.۱۲. قاعده ۱

مرز بین دو تکواژ که از نوع حروف تنها است، مکان مناسبی برای شکستن کلمه محسوب می‌شود. این مرز بر مرز بین دو هجا اولویت دارد. مثالهای زیر نمونه‌هایی از شکستن کلمه پایان سطر را در مرز بین تکواژها نشان می‌دهند:

کلمه	با تیره وصل	انتهای سطر بالایی	ابتدای سطر پایینی
داروخانه	دارو_خانه	دارو_	خانه
زندگی نامه	زندگی_نامه	زندگی_	نامه
زندگی نامه نویسان	زندگی نامه_نویسان	زندگی نامه_	نویسان

۲.۱۲.۴. قاعده ۲

مرز بین دو هجا که از نوع حروف تنها است، مکان مناسبی برای شکستن کلمه محسوب می شود. مثالهای زیر نمونه هایی از شکستن کلمه پایان سطر را در مرز بین هجاها نشان می دهند:

کلمه	با تیره وصل	انتهای سطر بالایی	ابتدای سطر پایینی
باران	با_ران	با_	ران
خانه داری	خانه_داری	خانه_	داری
خانه داری	خانه_دا_ری	خانه_دا_	ری
خانه داری	خا_نه داری	خا_	نه داری

۳.۱۲.۴. قاعده ۳

اگر نه مرز بین تکواژها و نه مرز بین هجاها از نوع حروف تنها باشد، مرز بین حروف، بدون هیچ معیاری انتخاب می شود. درصد کوچکی از کلمات فارسی، هم بسیط و هم تک هجایی هستند، و درصد بسیار کوچکتري، فاقد حروف تنها نیز هستند. همچنین، در درصد بسیار کوچکی از کلمات فارسی غیر بسیط و

چندهجایی، هم مرز تکواژها و هم مرز هجاها، حرف وسط (غیرتنها) می‌آید. در این صورت، چاره‌ای جز شکستن کلمه از یک مکان مناسب دارای حرف تنها وجود ندارد. بدین منظور، واژه‌پرداز یا حروفچین باید نزدیکترین حرف تنها از کلمه را برگزیند. با این حال، چنین وضعیتهایی تقریباً هیچ‌گاه پیش نمی‌آید و به روشهای گوناگون نرم‌افزاری می‌توان مانع آن شد.

مثالهای زیر نمونه‌هایی از این نوع شکستن کلمه پایان سطر را نشان می‌دهند:

کلمه	با تیره وصل	انتهای سطر بالایی	ابتدای سطر پایینی
تهران	تهرا-ن	تهرا-	ن
تهران	تهرا-ن	تهر-	ان

از آنجا که تعداد حروف اغلب این نوع کلمات زیاد نیست، معمولاً نیازی به شکستن کلمه پیش نمی‌آید. مثلاً در مورد تهران، که کلمه کوتاهی است، می‌توان کل کلمه را به سطر بعد منتقل کرد تا نیازی به شکستن کلمه در جای غیرمرزی نباشد.

۴.۱۳.۸ اصل

پس از هر يك از نمادهای نقطه گذاری، شامل:

، ؛ () [] « » ؟ ! .

يك سفیدی گذاشته می‌شود، اما قبل از آن، نباید سفیدی گذاشته شود و نماد باید به انتهای کلمه بچسبد (یا فاصله بین انتهای کلمه و نماد نقطه گذاری، فقط يك سفیدی تهی باشد).

اصل فوق را می‌توان به صورت یک فرمول ساده نمایش داد:

سفیدی تهی	نماد نقطه گذاری	سفیدی
-----------	-----------------	-------

مثالهای زیر، مفهوم فرمول «سفیدی تهی_نماد_سفیدی» را شرح می دهند.

نادرست	درست
* کتاب ، و کالاهای دیگر	کتاب، و کالاهای دیگر
* کتاب، و کالاهای دیگر	کتاب، و کالاهای دیگر
* علی به مدرسه می رود .	علی به مدرسه می رود.
* او گفت : «می آیم»	او گفت: «می آیم»
* او گفت: «می آیم»	او گفت: «می آیم»
* او گفت: « می آیم»	او گفت: «می آیم»
* پرویز (و پدرش) آمدند	پرویز (و پدرش) آمدند
* پرویز (و پدرش) آمدند	پرویز (و پدرش) آمدند
* پرویز(و پدرش) آمدند	پرویز (و پدرش) آمدند

مراعات نکردن این اصل در کاربرد نشانه های نقطه گذاری، منجر به خطاهای مهمی در حروفچینی و واژه پردازی می گردد. مثلاً علامت «پرانتز بسته» در ابتدای سطر می آید، یا علامت «پرانتز باز» در انتهای سطر می آید.

۱۴.۴. اصل ۹

عبارتهای لاتین چندکلمه ای، باید حتی المقدور در يك سطر قرار داده شوند، و در مواردی که قرار دادن آنها در يك سطر ممکن نباشد، سطر بالایی حاوی نیمه نخست، و سطر پایینی حاوی نیمه دوم باشد. در صورتی که عبارت در داخل پرانتز قرار داشته باشد، پرانتز باز فارسی در سطر بالایی و پرانتز بسته فارسی در سطر پایینی بیاید.

نمونه‌های زیر، مفهوم این اصل را به سادگی نشان می‌دهند.

واژه‌سازی عامه مردم از روی ذوق و تعبیر خود را اصطلاحاً
ریشه‌شناسی عامه (folk etymology) می‌نامند، که فعالیت
علمی محسوب نمی‌شود، اما گاهی نیز واژگانی که...

...ذوق و تعبیر خود را اصطلاحاً ریشه‌شناسی عامه (folk
etymology) می‌نامند، که فعالیت علمی محسوب نمی‌شود،
اما گاهی نیز واژگانی که...

...ذوق و تعبیر خود را اصطلاحاً ریشه‌شناسی عامه یا folk
etymology می‌نامند، که فعالیت علمی محسوب نمی‌شود، اما
گاهی نیز واژگانی که...

صورت فوق، به ویژه در پردازش زبان طبیعی فارسی، مانند ترجمه ماشینی، و
نمایه‌سازی خودکار کاربردهای مفیدی دارد، و در ضمن، در خواندن متن نیز ابهام
کمتری پدید می‌آورد.

البته در بیشتر شیوه‌نامه‌های فارسی این اصل را به صورت دیگری بیان کرده‌اند:
«پرانتر باز فارسی در سطر پایینی، و پرانتر بسته فارسی در سطر بالایی قرار گیرد».
اما این شیوه نه تنها بر هیچ منطقی استوار نیست، که در واژه‌پردازی کامپیوتری نیز
مشکلاتی پدید می‌آورد.

۱۵.۴. اصل ۱۰

در آوانگاری متن فارسی در اینترنت، به ویژه ایمیل [email] و چت [chatting]،
از واج‌نویسی ساده استفاده می‌شود.

واج‌نویسی ساده دارای دو ویژگی است:

۱. به دلیل پیش‌فرض مسلم همزه آغازین فارسی در کلمات آغازشونده با مصوت، این نوع همزه از ابتدای کلمه حذف می‌شود؛ مثلاً در:

esfand

- که در واج‌نویسی ساده به صورت *esfand' نوشته نمی‌شود؛
۲. مصوت «آ» با حرف کاپیتال «A» نوشته می‌شود، تا نیازی به استفاده از â a همراه با خط بار روی آن نباشد؛ مثلاً در:

tehrAn

(که در اصل واج‌نویسی به صورت tehr ân نوشته می‌شود.) اما مصوت «ت» با حرف «a»، و بقیه واجها با حروف کوچک نوشته می‌شوند.

جدول واج‌نویسی ساده‌شده فارسی به شرح زیر است:

(۱)

حرف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
نماد	b	p	t	s	j	ch	h	x
مثال	bAd	pul	tAb	sols	juy	chub	ham	xub
فارسی	باد	پول	تاب	ثلث	جوی	چوب	هم	خوب

(۲)

حرف	د	ذ	ر	ز	ژ	س	ش	ص
نماد	d	z	r	z	zh	s	sh	s
مثال	did	zorrat	rAm	zebr	zhila	sAr	shush	sefr
فارسی	دید	ذرت	رام	زبر	ژیلا	سار	شوش	صفر

(۳)

حرف	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک
نماد	z	t	z	'	q	f	q	k
مثال	zamneh	tefl	zohr	'omq	qarib	film	qermez	ketAb
فارسی	ضمه	طفل	ظهر	عمق	غریب	فیلم	قرمز	کتاب

(۴)

حرف	گ	ل	م	ن	و	ه	ی	-
نماد	g	l	m	n	v	h	y	-
مثال	gAri	lab	mehr	nur	vAhed	har	yAd	-
فارسی	گاری	لب	مهر	نور	واحد	هر	یاد	-

(۵)

اِعراب	ء	َ	ُ	اَ	وَو	یِ	وَو	یِ
نماد	a	e	o	A	u	i	ow	ei
مثال	bad	del	bord	sAl	nur	did	mowj	meil
فارسی	بد	دل	بُرد	سال	نور	دید	موج	میل

در جدول فوق، فقط سه تغییر کوچک نسبت به واج نویسی استاندارد فارسی وجود

دارد، که عبارت‌اند از:

۱. صامت «چ» با «ch» نشان داده شده است، در حالی که در واج‌نویسی استاندارد با ʧ نشان داده می‌شود؛
 ۲. صامت «ژ» با «zh» نشان داده شده است، در حالی که در واج‌نویسی استاندارد با z نشان داده می‌شود؛
 ۳. صامت «ش» با «sh» نشان داده شده است، در حالی که در واج‌نویسی استاندارد با ʃ نشان داده می‌شود.
- (اما صامتهای «خ» و «ق» همانند واج‌نویسی استاندارد، به ترتیب با «x» و «q» نشان داده شده‌اند.) البته تغییرات کوچک جدول فوق، در واج‌نویسی گاهی موجب ابهام می‌شود، اما مواردی که ابهام پیش می‌آید، به قدری نادر است که می‌توان فرض کرد هیچ‌گاه ابهام پیش نمی‌آید (کمتر از یک صدم درصد).
- به هر حال، با استفاده از جدولهای فوق، با کمترین تعداد نمادها و کمترین تعداد رمزها، و به ساده‌ترین صورت ممکن، می‌توان متن ایمیل یا پیغام گپ‌زنی را نمایش داد و رمزبندی کرد. (برای یافتن جدول فوق، صورتهای مختلف واج‌نویسی فارسی به تفصیل بررسی شده است.)

کتابنامه

۱. کتابنامه فارسی

- آذرنگ، عبدالحسین، آشنایی با چاپ و نشر، سمت، ۱۳۷۵.
- ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین، راهنمای آماده‌سازی کتاب، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
- ، درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- حسابی، محمود، وندها و گهوازه‌های فارسی، جاویدان، ۱۳۶۸.
- رجایی، محمدخلیل، معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۰.
- رزمجو، حسین، انواع ادبی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- سپانلو، محمدعلی، نویسندگان پیشرو ایران، نگاه، ۱۳۷۱.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، فردوس، ۱۳۶۹.
- ، معانی و بیان، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰.
- صافی، قاسم، از چاپخانه تا کتابخانه (ویراست دوم)، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- طباطبایی، محمد، فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- محمدی‌فر، محمدرضا، آشنایی با مدرک‌شناسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- آشنایی با مدیریت نشر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- آشنایی با مرجع‌شناسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- آشنایی با نشر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- راهنمای نویسنده، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- فرهنگ تبلیغات، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، ۱۳۷۶.

- فرهنگ یکاهای اندازه‌گیری، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۶.
- «زبان و اطلاعات»، مجله زبان‌شناسی، زمستان ۱۳۶۸.
- موحد، ضیاء، درآمدی به منطق جدید، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (ذوالقدر)، فرهنگ داستان‌نویسی، نیلوفر، ۱۳۷۸.
- همایی، جلال‌الدین، صناعات ادبی، مطبوعات علمی، ۱۳۴۰.
- نجفی، ابوالحسن، غلط‌نویسیم (ویراست دوم)، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- ، مبانی زبان‌شناسی، نیلوفر، ۱۳۷۶.
- یاحق، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح، راهنمای نگارش و ویرایش، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.

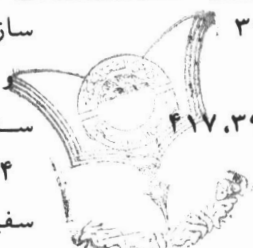
۲. کتابنامه لاتین

- Abrams, M. H, *A Glossary of Literary Terms*, Rinehart, 1970.
- Chicago, *The Chicago Manual of Style* (14th ed.), Prentice-Hall of India, 1993.
- Collin, P., *Dictionary of Printing and Publishing*, Peter Collin Publishing, 1989.
- Crystal, David, *Cambridge Encyclopedia of Language*, Cambridge, 1987.
- Cuddon, J. A., *A Dictionary of Literary Terms*, Peinguin, 1979.
- Fowler, H. W., *A Directory of Modern English Usage*, Oxford, 1965.
- Garner, Bryan A., *A Dictionary of Modern American Usage*, Oxford, 1998.
- Garnham, Alan and Jane Oakhill, *Thinking and Reasoning*, Blackwell, 1994.
- James, Henry, *The Art of the Novel*, New England University, 1984.
- Lemon, E. J., *Beginning Logic*, Nelson University, 1965.
- Nolt, John and Dennis Rohatyn, *Schaum's Outline of Logic*, McGraw-Hill, 1988.
- Salkie, Raphael, *Text and Discourse Analysis*, Routledge, 1995.

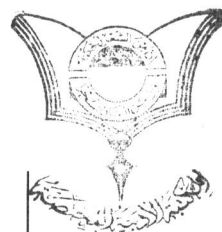
نمایه

- | | |
|------------------------------|-----------------------------------|
| ۴۲۰، ۴۱۸، ۴۰۹، املا، | ۳۷۳، آتروبی، |
| ۳۶۶، املا، معیار، | ۴۲۶، آوانگاری، |
| ۴۲۹، ۴۲۶، ۴۲۱، ایمیل، | ۴۲۱، آوانگاری در اینترنت، |
| ۴۲۶، اینترنت، | اصالت نوشته‌های بزرگان ادب فارسی، |
| بازشناسی کاراکتر، ۴۲۱ | ۳۶۹ |
| ۳۷۰، بهینه‌سازی، | ۴۰۹، اصل پنج، |
| ۴۲۱، پایان سطر، | ۴۰۰، اصل چهار، |
| ۴۲۱، ۳۹۵، پردازش زبان طبیعی، | ۳۷۶، اصل دو، |
| ۳۸۳، پسوند، | ۴۲۶، اصل ده، |
| ۴۱۰، ۳۸۶، پسوند تصریفی، | ۳۹۱، اصل سه، |
| ۴۰۹، پیش فرض، | ۴۱۷، اصل شش، |
| ۴۲۷، پیش فرض همزه آغازین، | ۴۲۵، اصل نه، |
| ۳۷۸، پیشوند، | ۴۲۴، اصل هشت، |
| ۳۹۰، ۳۸۷، التزام، | ۴۲۱، اصل هفت، |
| ۳۷۱، تحریر، | ۳۷۵، اصل یک، |
| ۳۷۲، ۳۷۱، تحریرکاری، | ۳۶۷، اصول رسم الخط فارسی، |
| ۴۲۰، ترانه، | ۴۲۸، إعراب، |
| ۳۷۶، تعویض، | ۳۷۳، اقتصاد رسم الخط، |
| ۴۲۱، تقطیع عروضی، | ۴۱۶، الف مقصور، |

- تکواژ شبه دستوری، ۳۹۵
تلفظ، ۴۱۸
تمایز سبکی، ۴۱۷، ۳۹۵، ۳۷۹
تنوین، ۴۱۵
تنوین رفع، ۴۱۵
تنوین نصب، ۴۱۵
تولید سیستم اطلاعات، ۳۶۷
تیره وصل، ۴۲۱
جامعیت رسم الخط، ۳۷۳
جدانویسی، ۳۹۵، ۳۹۳، ۳۶۶
جدول واج نویسی ساده، ۴۲۷
جمالزاده، محمدعلی، ۳۶۶
جوش، ۳۷۶
چسبان نویسی، ۳۷۶، ۳۷۰، ۳۶۶
۴۰۵، ۳۹۵، ۳۸۳
حرف، ۴۲۸
حرف ربط، ۴۰۲
حروفچینی، ۴۲۵
رسم الخط، ۳۶۶، ۳۶۵
رسم الخط فارسی، ۳۶۵
روش شناسی تدوین شیوه نامه، ۳۶۷
۳۷۲
روش شناسی رسم الخط فارسی، ۳۶۶
رهنمودهای طراحی سیستم، ۳۶۸
زیانهای اروپایی، ۴۱۹
سادگی رسم الخط، ۳۷۳
سازگاری رسم الخط، ۴۰۹، ۳۷۳
- سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ
ارشاد اسلامی، ۳۶۵
سفیدی، ۴۰۲، ۳۹۱، ۳۷۶، ۳۷۵
۴۲۴
سفیدی تهی، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۷۸، ۳۷۱
۳۹۳، ۴۰۰، ۴۲۴
سفیدی متغیر، ۴۲۱
سهولت خواندن و نوشتن، ۳۶۸، ۳۷۰
سیستم اطلاعات، ۳۷۲
شبه پسوند، ۳۹۵
شبه ستاک، ۳۹۵
شکستن کلمه، ۴۲۱، ۴۲۲
شیوه نامه نشر، ۳۶۵
صفت مشتق، ۳۸۰
طراحی سیستم، ۳۶۷
عبارت، ۴۰۰
عبارت لاتین، ۴۲۵
عدد، ۴۰۶، ۴۰۸
فرازبان شیوه نامه، ۳۷۴
فناوری نوین، ۴۱۹
قواعد رسم الخط فارسی، ۳۶۷
قید، ۳۸۱
کسره اضافه، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۱۴
کسره وصف، ۴۰۲، ۴۰۳
کلمه بسیط، ۳۶۹، ۳۸۱، ۳۷۵
کلمه غیر فارسی، ۴۱۷
کلمه لاتین، ۴۱۷



نمادهای نقطه‌گذاری، ۴۲۴	کلمه مرکب، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۰۰
واج، ۴۲۷	کلمه مشتق، ۳۷۶
واج‌نویسی، ۴۲۶	گپ‌زنی، ۴۲۶، ۴۲۹
واج‌نویسی ساده، ۴۲۷	مبدله، ۳۷۱
واج‌نویسی فارسی، ۴۲۹	محتوای اطلاعاتی، ۴۰۵
واژه‌پرداز، ۳۷۱	مرز تکواژها، ۴۲۲
واژه‌پرداز، ۳۶۸، ۴۲۱، ۴۲۵	مرز هجاها، ۴۲۳
واژه‌پرداز کامپیوتری، ۳۷۱	معیارهای مطلق در نگارش فارسی، ۳۶۸
واژه مستقل، ۳۶۹	معیارهای مطلق در نگارش فارسی، ۳۶۷
وصل-تیره، ۴۲۲	مقدار اطلاعات، ۳۷۳
وند، ۳۷۸	مقدار اطلاعات در نگارش، ۳۶۹
هجانگاری، ۴۲۱	مقدار اطلاعات در نگارش، ۳۶۸
هجانگاری فارسی، ۴۲۰	موصول، ۴۰۲
هجاها، فارسی، ۴۲۰	نام فایل، ۴۱۸
هجاها، قرضی، ۴۲۰	نشانه‌های نقطه‌گذاری، ۴۲۴
هدایت، صادق، ۳۶۶	نشانی ایپیل، ۴۱۸
هسته، ۳۷۸، ۳۸۰	نشانی پایگاه اینترنت، ۴۱۸
همزه، ۴۲۷	نظریه اطلاعات، ۳۶۹
همزه آخر، ۴۱۳	نقطه‌گذاری، ۴۲۴
همزه آغازین، ۴۱۰	نگارش با حروف چایی، ۳۷۰
همزه پایانی، ۴۱۳	نگارش با حروف چایی، ۳۶۸
همزه وسط، ۴۱۰	نگارش با کامپیوتر، ۳۶۸
همستون‌سازی، ۳۷۶، ۳۷۸	نگارش در نشر الکترونیکی، ۳۶۸
یای مقصور، ۴۱۶	
یکای اندازه‌گیری، ۴۰۸	



مجموعه‌ای که پیش‌رو دارید، مهم‌ترین
مباحث ویرایش و آماده‌سازی کتاب را
دربرمی‌گیرد. کتاب حاضر یکی از کتاب‌های
این مجموعه هفت جلدی است.

سازمان چاپ و انتشارات وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب‌های دیگری از
این مجموعه را به شرح زیر چاپ کرده است:

• اصول ویرایش و نشر

• نگارش

• تولید کتاب

• شیوه‌نامه وب

• نقطه‌گذاری

• کالبدشناسی کتاب